



## تازمانیایی محلی: تردیونیونیسیم و اشاعه پراگندگی در میان کارگران

در شمار قبلی ریگای گله به برخی نقاط مشترک و پدیده ای بلوک اشتراکی (کومه له - سهند) با اکونومیست های کهنه کار روسی اشاره کردیم و نشان دادیم که این بلوک چگونه با کوچک کردن آگاهی و کاستن اهمیت مبارزه سیاسی تلاش میکنند تا ذهن سوسیالیستی کارگران را مشوب سازد. ما همچنین گفتیم که چگونه این بلوک با عنده کردن مبارزه اقتصادی کارگران، در برابر جنبش خود بخودی سر فرود می آورد و درک نازل، عقب مانده و محدودی را از وظایف سیاسی ارائه میدهد و در عمل به مروج ایده های بورژوازی مبدل میگردد.

ما معتقدیم که درک محدود و عقب مانده بلوک اشتراکی از مبارزات طبقه کارگر باید با شکل مشخصی از سازماندهی این طبقه همان اندازه محدود و عقب مانده و منسوخ انطباق یابد - و انطباق می یابد - چراکه دایره فهم بلوک اشتراکی نه فقط در مورد وظایف سیاسی، که در مورد وظایف سازمانی نیز تنگ و بود است. اکنون ببینیم این عقب ماندگی و کمرش در مقابل جنبش خود بخودی اکونومیست های ما، که از طریق نشریه "کمونیست" تبلیغ میشود، در اشکال سازماندهی که این جریان پیش روی کارگران میگذارد چگونه انعکاس می یابد.

در صفحه ۲

## قطبهای دمکراسی شورائی

قسمت اول این مقاله شمائی کلی از دو خط منی اساسا متفاوت، خط منی لیبرال - فرمیستی و خط منی انقلابی - پرولتری ترسیم نمود و با استناد به برنامہ شورای ملی و مواضعی درک محاهد را انقلاب، قدرت سیاسی و دمکراسی - بعنوان یکی از نیروهای شمال خط منی لیبرال - فرمیستی بیابان رسید. ادامه مقاله به خط منی سیاسی حزب دمکرات و راه کارگر می پردازد و قطب نمای دمکراسی شورائی را فرا راه مبارزه کارگران و رحمتکشان قرار میدهد.

قرار داشت، سرانجام به بهانه "انحصار طلبی" مجاهد و نقدان دمکراسی، بیپوند خود را با "شورای ملی مقاومت" گسست.

در صفحه ۶

حزب دمکرات نبرکه پدیده ای تریس اجزاء برنامہ بورژوا - فرمیستی "شورای ملی مقاومت" را تصدیق نمود و با دل بستگی بدان تا چندی در ائتلاف رسمی با مجاهدین

## جنگ شهرها و تاثیرات آن در ذهنیت توده های مردم کردستان

در صفحه ۲۴

### در صفحات دیگر:

- اخبار مبارزات کارگران
- جنبشهای رهائی بخش - ۲۳
- اخباری از بامی استار - ۲۲
- شعری از رفیق سعید - ۱۷
- اخبار جنبش توده ای - ۱۹
- اطلاعیه هیات تحریریه
- صدای فدائی - ۵

## ۲۱ ریه ندان و

درس آموزی از تجارب تاریخی

در صفحه ۷

# هه موو میله ئیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه په

## سازمانیابی و محفلی: تردیونیویسم و اشاعه پراکندگی در میان کارگران

این معیارهای اگونومیستی بالاخره چه شکلی از سازماندهی را مدنظر دارد.

"مهمترین و موثرترین شکل سازمانیابی وسیع طیف کارگران کمونیست در این مقطع به اعتقاد ما سازمانیابی بصورت شبکه‌های محافیل کارگری است."

خوب تا اینجا معلوم میشود که بلوک اشتلاقی (گرمه‌له - سهند) میخواهد بیسه سازماندهی وسیع و یاقول "کمونیست" "سازمانیابی وسیع" - مگر نه آن است که کار برد کلمه سازمانیابی، بیان کننده آن حالت شکل گیری خود بخودی تشکیل است و جنبه فعالانه، موثر و مداخله‌گرانه نگارندگان را که بی اندازه کم رنگ است کم رنگ تر میکند؟ و بهمین دلیل مطلوب اگونومیست هانیز هست؟! دست بزنند و محفل کارگری را مهمترین و موثرترین شکل آن میخوانند. بلوک اشتلاقی (گرمه‌له - سهند)، کار خود را از سازمان وسیع کارگری آغاز میکند، آنهم سازمانیابی وسیعی که طیف کارگران کمونیست را درخسود مجتمع سازد (روشن است که آن تشکلهای وسیعی که کارگران را در خود سازمان دهد و یا آن تشکلهای که کارگران وسیعاً در آن سازماندهی شوند نمیتوانند تشکلهای حزبی محسوب شوند، این تشکلها در اساس مضمونی جزمی مضمون تردیونیویسمی ندارند، با اشاره به اینکه مجدداً به این مسئله باز خواهیم گشت، خاطر نشان میسازیم که علاقه مفرط محفل سهند به همان مبارزه اقتصادی که از اهمیت محوری نیز برخوردار است نمیتواند در همین تشکل های وسیع، "باز" و "کل و گشاد" بازتاب نیابد.

وقتی که ما میگوئیم اگونومیستهای "نوبن" این شیفتگان مبارزه خودبخودی به مبارزه سیاسی اهمیت لازم رانمی دهند، وقتی که میگوئیم آنان تمام توان خود را بکار گرفته اند تا فعالیت کارگران را در حدها مبارزه حرفه‌ای متوقف سازند بیهوده نگفته ایم. بخاطر آنکه برای خواننده بهتر روشن شود که خود

"کمونیست" پس از تاکیدات مکرر بر اهمیت مبارزه اقتصادی و نقش حیاتی آن هنگام شمارش نقطه ضعف های بلوک اشتلاقی، ضمن آنکه خود به برجسته نمودن این نوع مبارزه در طول حیات "حزب کمونیست" اذعان میدارد، در عین حال از نداشتن "حساسیت و فعالیت کافی" در این زمینه و اینکه این مبارزه به اندازه کافی برجسته نشده است به اظهار ناراضی می پردازد.

"فعالیت و حساسیت مادر قبایل مبارزه اقتصادی باید بسیار بیش از این افزایش یابد، این جنبه یکی از نقطه ضعف های اصلی در کار تاکنونی ما بوده است - باز نه به این عنوان که اهمیت مسئله درک و تاکید نشده است، بلکه به این عنوان که نقش حیاتی و تعیین کننده (تاکید ار "کمونیست") این عرصه فعالیت در کارگری شدن حزب، با اندازه کافی (تاکید از ما است) برجسته نشده"

وقتی که بلوک اشتلاقی (گرمه‌له - سهند) چاره "کارگری شدن" خود را در "اهمیت" بخشیدن باز هم بیشتر به مبارزه اقتصادی و برجسته تر نمودن به "قدر کافی" این عرصه از مبارزه می بیند، و نقشی را که مبارزه اقتصادی (خود بخودی) در این مورد بازی میکند "حیاتی و تعیین کننده" میدانند، جز آن است که اشکالی از سازماندهی را بیاید تا بتواند چنین عرصه‌ای از مبارزه را پیش برد؟ و یا پیش برده شود؟ - آیا چنین تشکل‌هایی که صرفاً به مبارزه اقتصادی مشغول گردند و یا حتی عمده فعالیت خود را به مبارزه اقتصادی اختصاص دهند، میتواند از اشکال اتحادیه‌ای، سندیکائی، حرفه‌ای و یا چیزی مشابه آنها که همگی مضمون تردیونیویسی خواهند داشت فراتر رود؟ همانطور که خواهیم دید، نه منظور و هدف بلوک اشتلاقی جز این است، و نه منطقاً چنین تشکل‌هایی نمیتوانند از همسان چهار چوب های بورژوازی خارج شوند.

ببینیم "کمونیست" با تاکید بیش از پیش بر مبارزه اقتصادی و برجسته نمودن آن به "اندازه کافی" و "خلاصه تعمیم"

"همه جا نقل قول ها از "کمونیست" شماره های ۲۹ و ۲۸ و تاکیدها از ما است، در غیر این صورت مستقلاً در مورد آن توضیح داده خواهد شد.

کمونیست "تیر برای این محافل جنبه خود بخودی قائل است و این صرفاً ادعای ما و یا "مبارزه فداکونیویستی" مخالفین سیاست های این بلوک نمی باشد، جمله دیگری را در این رابطه از نشریه "کمونیست" نقل میکنیم.

"همانطور که گفتیم سازمانیابی محفلی یک شکل خود بخودی سازمانیابی کارگران پیشرو است، این شکل خود بخودی به این معنی که حاصل طرح سازمانی احزاب سیاسی نیست، بلکه یک سنت جا افتاده در درون کارگران و جزئی از مناسبات طبیعی در درون طبقه کارگر است. چنین است فرمول بندی محفل سهند برای سازماندهی کارگران، محافل خود بخودی کارگری نقطه عزیمت این بلوک در سازماندهی کارگران است، بر اساس نمیتوان تکریم بی حد و اندازه خریدن سهندی را در قبایل جنبش خود بخودی و استعداد های آقای منصور حکمت را در تنزل سیاست کمونیستی بدرجسته تردیونیویسم نحسین نکرد، جالب اینجاست که سهند میخواهد از همین طریق سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر را پیش برد و آن را تنها راه نیز میداند.

"همین شکل (یعنی محافل خود بخودی) در شرایط کنونی تنها راه و مجرای واقعی برای سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر در مقیاس وسیع است" (برائت از ما است) بلوک اشتلاقی (گرمه‌له - سهند) بر آن است که اشکال خود بخودی سازمانیابی کارگران، یعنی همان محافل کارگری که در مناسبات طبیعی و محل کار و زندگی و روابط خانوادگی این طبقه و حول و حوش آن خود بخود و بدون مداخله کمونیستها ایجاد میشود، همانا "تنها راه" برای سازماندهی آنهاست سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر است.

بی نقی عقب ماندگان سهندی - گرمه‌له‌ای در سازماندهی کارگران در عباراتی که نقل شد بطرز بسیار واضحی مشهود است. محفل سهند که عمیقاً ناتوان اردرک سازماندهی کمونیستی کارگران است چه رسد به آنکه بخواهد چنین سیاستی را در عمل بکار بندد، اینگونه محافل بدوی را که بی هیچگونه طرح و نقشه‌ای از جانب کمونیستها شکل میگیرند، سازماندهی کمونیستی سیر میخواند تا در واقع در صفحه ۹



## اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت سالروز قیام و سیاهگل

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن هفدهمین سالروز حماسه آفرینی فدائیان خلق درسیاهگل، روز سنباگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ۲۲ بهمن نهمین سالروز قیام قهرمانانه و حماسی توده‌های مردم ایران علیه رژیم شاه و سرنگونی آن فرارسیده است. در تاریخچه حیات سیاسی و زندگی مبارزاتی هرملتی لحظاتی است که جاودانه می‌ماند و رویدادهایی است که هیچگاه از خاطره‌ها محو نمی‌گردد. تاریخچه مبارزات توده‌های مردم ایران نیز آکنده از چنین لحظاتی و رویدادهای برجسته‌ای است که هر یک در جای خود نقش مهمی در زندگی مبارزاتی و حیات سیاسی مردم ایفا نموده‌اند.

در این میان بهمن ماه که هرروز و هرلحظه آن یادآور قهرمانی و مبارزات دلورانه توده‌های مردم ایران است بیش از هرچیز با این رویداد بسیار برجسته و دارای اهمیت تاریخی منحص می‌گردد.

بررخواست این هر دو رویداد، بزرگداشت مبارزه قهرمانانه خلقی است که در سراسر تاریخ پر فراوانش خود هیچگاه دست اربابزده علیه ستمگران برنداشته و سنت افتخار آفرین مبارزه را همچنان زنده نگاه داشته است.

قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که یکی از اصول درخشان در تاریخچه حیات سیاسی مردم ایران است، در عین حال که عزم بولادین و اراده آهنین این خلق و قدرت لایزال آنرا در مبارزه علیه ستمگران تاریخ نشان میدهد، یاد آور این واقعیت نیز هست که در برابر قدرت توده‌هایی که علیه ستمگران نبی می‌خیزند، هیچ نیروی حتی سازمان یافته‌ترین و عظیم‌ترین دستگا‌های نظامی و سرکوب طبقات حاکمه نیز توان مقاومت و ایستادگی را نخواهد داشت. ۲۲ بهمن سبانهگر اوج استکبار انقلابی و تلاش خلقی است که بخاطر برانداختن حکومت ستمگران، کسب آزادی و دمکراسی، شرایط زندگی بهتر، برانداختن سلطه جبارانه و ستمگرانه امپریالیسم از ایران و ایجاد یک حکومت دمکراتیک و خلقی، علیه یکی از ستمکارترین حکومت‌های تاریخ بشریت به قیام مسلحانه برخاست و رژیم سلطنتی شاه را که مظهر ۲۵۰۰ سال ستمگری شاهان در ایران بود، ارباب در آرزوی کورستان تاریخ سپرد.

آمادریغ که علی‌رغم تمام قهرمانی و ارخودگذشتگی توده‌های مردمی که به قیام مسلحانه برخاستند، ضعف‌آذنی و اعتقاد ناشی از زود باوری که خود نتیجه استبداد و دیکتاتوری سالیان دراز در ایران بود، سبب گردید که سرمایه‌داران و عموم مرتجعین زمام امور را همچنان در دست خود نگهدارند و یک جمهوری ارتجاعی بنام جمهوری اسلامی به مردم تحمیل شد. بنا بر این نه فقط خواستهای مردم در انقلاب تحقق نیافت بلکه آنچه را که توده‌های مردم با قیام و ابتکار انقلابی خود بدست آورده بودند، از آنها سلب و سرکوب گردید و سیاه‌ترین و عریان‌ترین دیکتاتوری و اختناق بر ایران حاکم گردید و هرگونه آزادی سیاسی از مردم سلب شد. شرایط مادی زندگی توده‌ها نه تنها بهبود نیافت بلکه وخیم تر گردید، فقر با دهن‌لناکی بخود گرفت. شکاف میان فقیر و ثروت عمیق تر و وسیع تر گردید و بی‌عدالتی اجتماعی بازم بیشتر شد.

سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی نه تنها برنیافتاد، بلکه تشدید گردید. در کنار این همه مصائب اجتماعی، مصائب ناشی از جنگ نیز شرایط زندگی مردم را دشوارتر نمود. جنگی که بیش از ۶ سال عظیم‌ترین فشارهای مادی و معنوی را بر توده‌های مردم ایران تحمیل نموده، هرروز قربانیهای تازه‌ای را می‌طلبید، و هر روز فشار بیشتری را به مردم وارد می‌آورد.

امروز پس از گذشت هشت سال از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کارگران و زحمتکشان ایران و عموم توده‌های ستم‌دیده با چنان شرایط سخت و دشواری روبرو هستند که طی سالهای اخیر هرگز سابقه نداشته است.

این شرایط اسفبار و غیرقابل تحمل راه دیگری جز مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت دمکراتیک و انقلابی در برابر مردم ایران قرار نمی‌دهد. توده‌های مردم ایران نمیتوانند از شر این همه فجایع و مصائبی که جمهوری اسلامی به بار آورده است، نجات یابند مگر آنکه یک بار دیگر به قیام مسلحانه متوسل گردند. بدون یک قیام مجدد برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق نه تنها هیچ بهبودی در اوضاع صورت نخواهد گرفت بلکه روز بروز وضع وخیم تر خواهد شد. قطعاً خلقی که به قیام ۲۲ بهمن برای سرنگونی رژیم شاه متوسل گردید، سنگ بقاء جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهد کرد و بار دیگر به قیامی دست خواهد زد که تمام تحارب گذشته‌نیرطی آن بکار گرفته خواهد شد.

قیام ۲۲ بهمن ۵۷ نتوانست منجر به پیروزی قطعی انقلاب و تحقق خواستههای توده مردم گردد، چرا که رهبری انقلاب در دست طبقه کارگر، این انقلابی ترین طبقه جامعه قرار نداشت و قدرت سیاسی همچنان در دست سرمایه داران و عموم ستمگران و استثمارگران باقی ماند. این امر بار دیگر این واقعیت را با ثبات رساند که برای پیروزی قطعی انقلاب رهبری طبقه کارگر و در دست گرفتن قدرت سیاسی توسط کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان ضروریست.

قیام ۲۲ بهمن ۵۷ به استقرار یک حکومت دمکراتیک در ایران نیاختامید، چرا که مائین سوروکراتیک - نظامی و سرکوب تمام مردم شکسته نشد. توده های مردم ایران در قیام آئینده خود باید این تجربه را بکار گیرند، تمام مائین ستمگری و سرکوب را درهم بکوبند و با ایجاد شوراهای انقلابی و تسلیح عمومی خلق به اعمال حاکمیت و دفاع از دست آوردهای انقلاب بپردازند.

در قیام ۲۲ بهمن ۵۷ توده های مردم ایران که از روی نا آگاهی و زود سآوری به دارو ست مرتجع خمینی اعتماد کردند، این بار باید این تجربه را عمیقاً بکار بندند، تنها به سارمایی اعتماد کنند که در عمل همه جا وفاداری خود را به آرمانهای انقلاب نشان داده و اکنون نیز از برنامه و اهدافی که بتواند تحولات انقلابی - دمکراتیک را عملی سازد، دفاع میکند.

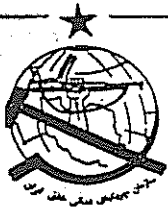
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مسار ره خود را در راه آرمان کارگران و زحمتکشان ایران در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله مسلحانه به پاسگاه سیاهکل آغاز نمود، طی سائزده سال حیات سیاسی و فعالیت مبارزاتی خود چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی لحظه ای از مبارزه در راه تحقق، آرمانهای توده های زحمتکش غفلت نکرده است. سازمان ما وفاداری خود را به آرمانهای کارگران و زحمتکشان و دفاع از منافع عموم ستمدیدگان تحت هر شرایطی نشان داده و حتی در سخت ترین و دشوارترین شرایط به مبارزه علیه ستمکاران ادامه داده است. در سراسر دوران حیات سازمان، ترجمین پیوسته کوشیده اند تا با ایجاد مواضع متعدد بر سر راه فعالیت سازمان و گشتار و به بند کشیدن رفقای مادر فعالیت مبارزاتی سازمان خلقی ایجاد کنند، اما هیچگاه قادر نبوده اند سازمان ما را از ادامه فعالیت بازدارند. طی چند سال گذشته هزاران تن از رفقای سازمان مادر راه آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان جان باخته و هزاران تن دیگر هم اکسوز در ساهجالیهای صرون و سطلانی دز حیمان جمهوری اسلامی بند کشیده شده اند. کارنامه مبارزاتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر هیچکس پوشیده نیست. صحت موضع گیریهای سازمان ما نیز چه در دوران رژیم شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی بر همگان عیان و آشکار است. سازمان مادر مرده نخستین سازمانی بود که بر ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی انگشت گذارد، به مسار ره علیه آن برخاست و عموم سیاستهای ارتجاعی آنسرا افشاء نمود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمانی که از منافع و آرمانهای طبقه کارگر ایران دفاع میکند و اساساً در جهت برانداختن استثمار و نظام طبقاتی و ایجاد یک جامعه کمونیستی مبارزه می نماید، در مرحله کنونی انقلاب نیز از موضع طبقه کارگر از منافع عموم زحمتکشان و ستمدیدگان دفاع میکند و حواس تاریک حکومت انقلابی و دمکراتیک و اجرای مطالبات پرنامیه حداقل سازمان که تامین کننده خواستها و منافع عموم توده های مردم است می باشد. سابقه مبارزاتی سازمان، صحت و حقانیت موضع گیری های سازمان، و برنامه انقلابی سازمان بهتر از هر چیز کارنامه سیاسی سازمان و نقش آنرا در مبارزه بخاطر آرمانهای کارگران و زحمتکشان، نشان میدهد.

**کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!**

برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، برای رهاشی از شر تمام معاشی که این رژیم تبیکار بار آورده است و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، حول پرچم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برنامه و اهداف آن، متشکل شوید!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق  
 نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی  
 رده باد سوسیالیسم  
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
 بهمن ماه یکم هرار و سیصد و شصت و پنج



## اطلاعیه هیئت تحریریه صدای فدائی بمناسبت اولین سالگرد حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان

یک سال پیش در چهارم بهمن ۱۳۴۴ یک توطئه خیانتکارانه از سوی باند مزدور و خائن مصطفی مدنی - حامد شیبانی با حمایت و پشتیبانی بورژوازی و کلیه دشمنان سوگندخورده طبقه کارگر بر علیه سازمان ما به مرحله اجرا درآمد، و صدای فدائی بابتک رسانی کارگران ایران مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. در جریان این توطئه ۳ تن از رفقا اسکندر، کاوه و حسن در دفاع از مرکز رادیوئی سازمان به شهادت رسیدند. انگیزه‌ها و علل اصلی این توطئه را باید در رعب و هراس بورژوازی از آگاهی و تشکل کارگران و نقشی که صدای فدائی در این زمینه ایفا نموده است، جستجو نمود. از هنگامیکه صدای فدائی فعالیت خود را آغاز نموده است تلاش آگاه‌گرانه گسترده‌ای را علیه نظم ارتجاعی و استثمار سرمایه‌داری حاکم بر ایران، رژیم جمهوری اسلامی و افشاء دوستان دروغین خلق سازمان داد.

برنامه‌های تبلیغی و ترویجی صدای فدائی در زمینه‌های دمکراتیک و سوسیالیستی نه فقط نظام سرمایه‌داری موجود و رژیم جمهوری اسلامی را به پاسدار این نظام آماج حملات خود قرار میداد بلکه توأم با آن کلیه سازمانها و جریانها را نیز در بر می‌گرفت و تا پیگیری عموم جریانها غیر پرولتری را بی رحمانه افشاء میکرد. ناگفته نماند که این نقش آگاه‌گرانه صدای فدائی در میان توده‌های مردم بویژه طبقه کارگر ایران نمیتوانست واکنش خصمانه بورژوازی و همه کسانی که حیات تنگین خود را در ناآگاهی توده‌ها می‌بینند برنشانگیزد. ار همین رو است که از مدتها پیش رژیم و حتی ایوریسیون بورژوازی منجمله سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، تبلیغات وسیعی را علیه صدای فدائی سازمان داده بودند. از این رو در میسران بورژوازی حاکم و اپوزیسیون در مبارزه علیه سازمان ما و خاموش کردن صدای فدائی، وحدت نظری و عملی وجود داشت.

تلاش همه آنها این بود به هر شکل ممکنی این ابزار آگاهی بخش طبقه کارگر ایران را از آن بگیرند. توطئه حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی سازمان بک توافقی همگانی جریانات محسوب بورژوازی علیه سازمان بود. شایسته آن ایام برای عده‌ای از افراد ناآگاه یا کسانی که در بطن مسائل فرار نداشتند با توجه به حجم تبلیغاتی که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن علیه سازمان براه انداخته بودند درک این رابطه و نقشی که اتحادیه میهنی بعنوان خاندان اصلی باند مزدور مدنی - شیبانی از سوی بورژوازی حاکم و بورژوازی اپوزیسیون ایران ایفا نمود، مشکل بود. اما از همان هنگام که درک توطئه‌گرانه اشغال مسلحانه مرکز فرستنده رادیوئی سازمان توسط این باند با شکست روبرو شد و افراد مسلح اتحادیه میهنی مرکز رادیوئی سازمان را اشغال نمودند، مانع از پیش بردن برنامه‌های صدای فدائی شدند و سپس همه امکانات سازمان را نیز به تاراج بردند. بهر انسان اندک آگاه و انقلابی روشن بود که این یک توطئه حساب شده علیه سازمان است که باند مدنی - شیبانی در آن صرفاً نقش آلت دست و ابزار اعمال سیاستهای هستند که در پشت آن جمهوری اسلامی و سازمانهای بورژوازی ایران قرار دارند. این واقعیت هنگامی بیشتر آشکار گردید که بلافاصله پس از آنکه سازمان علیه تمام تلاشهای همه جانبه بورژوازی مجدداً یک مرکز فرستنده رادیوئی دیگراثر نمود و صدای فدائی فعالیت خود را آغاز کرد، اتحادیه میهنی یک فرستنده رادیوئی در اختیار مزدوران خود قرار داد که بنام "صدای فدائی" برنامه پخش کنند.

هرچند که این تلاش بورژوازی نیز با شکست مواجه گردید چرا که صدای فدائی با مواضع انقلابی سازمان شناخته شده است، و روشن بود رادیوئی که بخواهد بنام صدای فدائی، اپورتونیزم و سازش طبقاتی و خط بورژوازی سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات و امثالهم را تبلیغ نماید در میان توده‌های مردم رسوا و افشاء خواهد شد. این وقایع مصادف بود با زمانی که اتحادیه میهنی دست اتحاد بسوی جمهوری اسلامی دراز کرده و اولین بده‌ویستانهای خود را از جمله علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی آغاز کرده بود. از این رو سازمان ما در اطلاعیه‌های خود این حقیقت را افشاء نمود و گفت: بزودی تحولاتی که در منطقه صورت خواهد گرفت حقیقت پیوسته این توطئه مسلحانه را با وحدت اتحادیه میهنی کردستان و جمهوری اسلامی نشان خواهد داد.

گذشت چند ماهی کافی بود که از یک سو وحدت جمهوری اسلیمی با اتحادیه میهنی کردستان و توأم با آن وحدت این سازمان با مرتجعین حزب الدعوة و قیاده موقت علنی گردد و از سوی دیگر محدودیتها و مواضعی که اتحادیه میهنی بر سر راه فعالیت سازمانهای سیاسی ایران علیه جمهوری اسلامی پدید آورد، نشان دهد که نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان با جمهوری اسلامی نمی‌توانسته است بدون توافق برای سرکوب سازمانهای ایرانی و محدودیت فعالیت آنها صورت بگیرد، و نقشی که اتحادیه میهنی کردستان در اتحاد با جمهوری اسلیمی در جریان حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوئی ایفا نمود بر همگان آشکار و عیان گردید.

اکنون پس از گذشت یک سال از توطئه چهارم بهمن، نه تنها نقش بورژوازی و دارودسته اپورتونیست خائن و مزدور مدنی - شیبانی که به جیره‌خواران تحت حمایت اتحادیه میهنی تبدیل شده‌اند کاملاً آشکار شده است بلکه تداوم فعالیت صدای فدائی نشان داد که بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن به هر تلاش مذبحانه‌ای که متوسل گردند قادر نخواهند بود سازمان ما را از ادامه فعالیت و مواضع انقلابی اش بازدارند.

ما در جهت تحقق آرمان طبقه کارگر و حفظ استقلال طبقاتی آن محکم و استوار ایستاده‌ایم و در مبارزه بلاوقفه خود در این مسیر ادامه خواهیم داد و هیچ مانعی قادر نخواهد بود سازمان ما را از مبارزه در راه هدف نترکد که در برابر خود قرار داده است باز دارد.

سرتیگور با رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

هیئت تحریریه صدای فدائی - چهارم بهمن ماه یکم آروسید و شصت و پنج

## قطب‌نمای دمکراسی شورائی

برخیزد، حزب دمکرات نه تنها از مراکز اعمال قدرت توده‌ای چیزی نمیگوید، بلکه بجای آن نهادهای بورژوازی نظیر مجلس موسسان را می‌نشانند و بسا حروف درشت در برنامهاش حکاکی میکنند.

این خصوصیت بارز کلیه لسرالهاست. در آن هنگام که تحت بیگرد ارتجاع سیاسی هستند، طالب آزادی و دمکراسی میگردند اما بقول لنین "هرگز خواهان اشتغال تمام قدرت به دست توده‌ها نخواهند بود و از طرف دیگر خواهان باقی ماندن بقایای رژیم کهنه میباشند (بمساند ارتش دائمی، بوروکراسی غیر انتخابی و قس علی هذا)"

تا زمانیکه در جامعه‌ها مناسبات بهره‌کشی موجود است، سخن گفتن از حاکمیت مردم چیزی جز تربت نخواهد بود. کسی که واقعا طرفدار "حاکمیت مردم" است باید خواهان بایودی مناسبات طبقاتی و ایجاد سراسری واقعی میان تمامی افراد جامعه باشد. آشکار است حزب دمکرات هدف خود را نه نابودی مناسبات طبقاتی بلکه کسب امتیازات ملی قرار داده است. بنابراین روشن میگردد که وعده "حاکمیت مردم" از سوی این حزب سراسری بیش نیست.

حزب دمکرات به ادعای خود در "نهایت آزادی" موافق است تا مردم به "انتخاب صحیح" دست یابند. یعنی مردم از حق رای برخوردار باشند. فرآیند دمکراسی حزب دمکرات چیزی جز این نخواهد بود. چرا که تکرش حزب دمکرات به دمکراسی از منافع بورژوازی مایه میگردد. همه بورژواهای بظا هر دمکرات رای دادن مردم (کارگر و سرمایه‌دار) را دال بوجود دمکراسی میدانند. اما رعایت حق رای عمومی یک شگرد فریب کارانه از سوی بورژوازی است. هم‌اینک در پیشرفته ترین و دمکراتیک ترین جوامع سرمایه‌داری نیز اکثریت است توده‌های زحمتکش با وجود اینکه از حق رای برخوردارند اما در حالت در قدرت سیاسی محرومند و نمی‌توانند سخن در آن داشته باشند.

حزب دمکرات میگوید: برای جلوگیری از بازگشت هرگونه دیکتاتور، پلورالیزم سیاسی را برای حاکمیت

اما اینبار با کدام برنامه؟ برنامه حزب دمکرات اگر چه یک برنامه محدود است لیکن بنا به پایگاه طبقاتی آن محتوای "آزادیخواهی" و دمکرات منشی آنرا آشکار میسازد.

حزب دمکرات در برنامهاش میگوید: "... حزب ما بر آن است که پس از واژگونی رژیم خمینی لازم است به مردم ایران امکان داده شود که آزادانه سیستم حکومتی دلخواه خود را انتخاب نمایند و مجلس موسسان را برای تدوین قانون اساسی جمهوری جدید تشکیل دهند."

"حزب دمکرات کردستان ایران برای جلوگیری از بازگشت هرگونه دیکتاتور، پلورالیزم سیاسی را برای حاکمیت آینده ایران پیشنهاد میکند. انتخاب پلورالیزم سیاسی از سوی حزب ما امری تصادفی نیست بلکه از اعتقاد عمیقی سرچشمه میگردد که حزب ما به آزادی و حاکمیت توده‌ها دارد. همچنین حزب دمکرات میگوید:

"بنا بر پایه اصل دمکراسی که حکومت مردم بر مردم است گردن گذاشتن و این فرصت را بر مردم داده که در نهایت آزادی و از روی آگاهی به انتخاب صحیح دست یابند و حاکمیت را بدست نمایندگان منتخب خویش بسپارند."

حزب دمکرات ادعا میکند که اعتقاد عمیقی به "آزادی و حاکمیت توده‌ها" دارد و "باید به اصل دمکراسی که حکومت مردم بر مردم است گردن گذاشت" و "برای جلوگیری از بازگشت هرگونه دیکتاتور، پلورالیزم سیاسی را برای حاکمیت آینده ایران پیشنهاد میکند."

اگر از ظاهر این شعارها بگذریم یک چنین افاضاتی در واقع امر چیزی جز تلاش برای بی محتواساختن مضمون طبقاتی دمکراسی و مطالبه دمکراسی عام نیست. در جوامع طبقاتی، دمکراسی هیچ وقت نخواهد توانست یک پدیده عام و کلی باشد. دمکراسی مشخص است و مضمون آن منافع طبقاتی مشخصی را حمل میکند. دمکراسی شکلی از دولت است. اگر حزب دمکرات حقیقتا به حاکمیت توده‌ها اعتقاد داشت، میبایست بلا درنگ از حق توده‌ها در ایجاد ارگانهای مسلح اقتدار خود برای اعمال قدرت دولتی و اداره تمامی شئون جامعه بدفاع

آینده ایران پیشنهاد میکنند و "پلورالیزم سیاسی را آن سیستم حکومتی میدانند که در آن چند حزب برای بدست گرفتن قدرت سیاسی فعالیت میکنند".

اولا وجود نظام چندحزبی ابتدا به ساکن معیار استقرار دمکراسی در جامعه نیست. اگر حتی بطور کلی تعریف دمکراسی را بعنوان "حکومت مردم بر مردم" بپذیریم، حزب دمکرات کاملا آگاه است که در بسیاری از کشورهای اروپائی و... تنوع احزاب وجود دارد. مثلا در کشور فرانسه، کلیستها متشکل از هارترین جناح سرمایه‌داران انحصاری در کنار حزب کمونیست و حزب سوسیالیست همزیستی مسالمت آمیز نموده و "زاک شیراک" و "ژورژ مارش" و "میتران" نیز دست یکدیگر را بگرمی میفشارند و "کسب اکثریت آراء" را برای بدست گرفتن حکومت توسط هر حزب را برسمیت می‌شناسند. اما در آنجا نه "حکومت مردم بر مردم" برقرار است و نه برابری بین اتحاد جامعه فرانسه وجود دارد بلکه یک دیکتاتور بورژوازی حاکم است که تنها با برچسب‌های عوام‌فربانه و دروغین دمکراتیکی نظیر "پلورالیزم"، "برابری" و "اراده عمومی" پوشیده شده است.

از جنبه دیگر اگر بپذیریم که دمکراسی شکلی از دولت است، معنسیای دقیق آن روشن است این شکل روبنائی که بر اساس زیربنای جامعه یعنی شیوه تولید مسلط استوار است همواره دیکتاتور برای طبقه‌ای است که دمکراسی متعلق بدان نیست.

در حالیکه سرمایه‌داران و استثمارگران از قدرت اقتصادی در جامعه برخوردارند در شکل دولتی دمکراسی برای اقلیت حاکم تأمین بسوده و دیکتاتور علیه اکثریت جامعه عمل می‌نماید. و در هنگامیکه اقلیت استعمارگر خلق پدید میگردد و از قدرت بزیر کشیده میشود و کارگران و زحمتکشان قدرت سیاسی را در دست میگیرند، دمکراسی برای اکثریت جامعه و دیکتاتور علیه اقلیت عمل مینماید.

بنابراین خوش خیالی حزب دمکرات "برای جلوگیری از بازگشت هرگونه دیکتاتور، پس از واژگونی رژیم خمینی" است و بیپوده است. مبارزه طبقاتی در مسیر تاریخی مشخص جامعه ما با پیروزی یا شکست انقلاب ایران نشان خواهد داد که پس از سرنگونی رژیم

## ۴۲ ریه ندان

و

### درس آموزی از تجارب تاریخی

پس از سقوط دیکتاتوری رضاخانی در شهریور سال ۱۳۲۰ که با از هم گسیختگی نسبی سیستم و نهاد های بوروکراتیک حاکم همراه بود، فضای سیمه دمکراتیکی در سراسر ایران بوجود آمده که پدیدار شدن نشریات، احزاب و سازمان های مترقی و انقلابی را نیز در پی داشت. توده های رحمتکش مردم ایران که سال ها زیر شدیدترین شرایط ستم، سرکوب و خفقان قرار داشتند، تحت چنین شرایطی توانستند دامنه مبارزات خود را گسترش دهند. بر بستر چنین زمینه وضعیتی که جنبش توده های در سراسر ایران اوج می گرفت، جنبش های ملی در آذربایجان و کردستان نیز شکل گرفت.

ارسوی دیگر کشور ایران در روند تکامل سرمایه داری جهانی و تبدیل آن به امپریالیسم، یعنی در آستانه قرن بیستم، وارد مدار بازار جهانی سرمایه گردید و صدور سرمایه مالی امپریالیستی پر روزه انباشت سرمایه را در ایران کند نمود. این پدیده یعنی حضور و سلطه تدریجی امپریالیسم بر کشورها موجب آن گشت که نیرو های مولده و تکامل ملی در کشور های مختلف به شکل ناموزون و غیر یکسانی رشد کنند. این ناموزونی رشد نیرو های مولده حتی در داخل یک کشور بسته به شرایط تکامل تاریخی نیز نمیتوانست بیاید. تبعات یک چنین رشد ناموزونی در ایران چنین بود که بورژوازی در جوار ادامه حیات فئودالیسم و مناسبات کهنه آن، عرض وجود کند. بورژوازی ایران که در مقطع خیزش های ملی که با دوره ورشکستگی و فروپاشی فئودالیسم توأم است، برای تسخیر بازار داخلی و جایگزینی مناسبات تولید کالائی بجای شیوه تولید مناسبات منسوخ فئودالی به میدان میآید اما قید و بند امپریالیسم بردست و پای این بورژوازی او را همانطور که از رشد و تکوفاشی کلاسیک باز میدارد، به همان میزان نیز از درجه ستیزش با فئودالیسم میکاهد. انقلاب بورژوازی دمکراتیک

مشروطه که حامل چنین شرایطی بود و انجام تحولات بورژوازی دمکراتیک را بر عهده داشت، عملاً قادر نگشت موانعی را که مناسبات فئودالی بر سر راه تحول اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده بود، از سر راه بردارد و به نظامات قرون وسطائی پایان بخشد، از این رو مناسبات فئودالی در سراسر ایران ابقا میگردد. این مناسبات در مناطقی که از لحاظ تکامل اقتصادی - اجتماعی عقب تر بود ( نظیر کردستان ) با قوت بیشتری به حیات خود ادامه میداد و حتی با مناسبات عشیرتی درهم آمیخت. مسئله ملی و مسئله ارضی که جزو وظائف انقلاب بورژوازی دمکراتیک بود، همچنان لاینحل ماند.

تسلط چنین مناسباتی بویژه در کردستان و سرکوب و ستمی که از جانب حکومت مرکزی ایران نسبت به خلق کرد اعمال میگردد، زمینه اصلی رشد و گسترش مبارزات توده های پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان در کردستان گردید. جنبش ملی خلق کرد که بر بستر چنین زمینه اقتصادی - اجتماعی توانست با انگیزه های خود ویژه و برای تحقق خواست های دمکراتیک بسا به عرصه بگذارد، سرانجام در دوم بهمن سال ۱۳۲۴ در شکل جمهوری خودمختار کردستان تجلی آشکاری بخود گرفت و در شمال و قسمت هایی از مرکز کردستان استقرار یافت. اما ضعف های مشخص رهبری جنبش موجب آن گشت که ایمن جمهوری بیش از یازده ماه دوام نیاورد. هرچند که در این میان، از خود گذشتگی، جان بازی و ایستادگی قاضی محمد بعنوان رهبر جنبش، وفاداری اش به خلق کورد گرانقدر و ارزشمند است تا آنجا که همراه با نزدیک به بیست و پنج هزار شهید، جان خود را نثار کرد و سنت مقاومت تا پای جان را در جنبش خلق کرد برجای گذاشت، هرچند که رهبری جنبش در طول حیات جمهوری کردستان به برخی اقدامات دمکراتیک در زمینه مسائل فرهنگی دست زد، اما این رهبری ذاتاً ناپیگیر که ترکیبی از بورژوازی، خرده بورژوازی و عناصری از فئودالها را در خود جای داده بود، از انجام اقدامات اساسی و بویژه محوری تریسب مسئله توده های خلق کرد، یعنی مسئله ارضی حتی در چارچوب بورژوازی دمکراتیک آن نیز باز ماند. تسلیح و بسیج عمومی

دهقانان که نیرو های اصلی این جنبش را تشکیل میدادند و سازماندهی آنها در شکل های خاص خودشان برای ادامه مبارزه انجام نیافت و سرانجام اعتماد به دولت ارتجاعی مرکزی، جنبش ملی را ارتکیه گاه اصلی خود جدا ساخت تا آنکه دولت سرکوبگر با یورش به کردستان بسبب سرکوب خونین جنبش پرداخت و آن را به شکست کشاند.

جمهوری خودمختار کردستان هر چند با شکست مواجه گردید، اما آن زمینه های اصلی که بر بستر آن این جنبش شکل گرفته بود به کلی از میان نرفت. تحولات بعدی جامعه ایران و از جمله رفورم ارضی در آغاز دهه چهل که با صدور گسترده سرمایه های امپریالیستی به ایران توأم بود جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودالی را از عرصه خارج ساخت. این تحولات تدریجی اما، که از طریق اصلاحات از بالا، آرام و منطبق بر خواست امپریالیسم انجام میشد، هر چند که شیوه تولید سرمایه داری را که وجه مشخصه اصلی آن مناسبات تولید کالائی است گسترش داد و بر سراسر ایران مسلط گردانید، اما از آنجا که پیرویه این تحول و گسترش از بالا بود و جایگزینی سرمایه داری با نظامات قبلی به دلخواه طبقات حاکم انجام می گردید، مانع ادامه حیات و بقای کهنه شده نظامات قبلی نشد، بسیاری از خواست ها و وظائف دمکراتیک از جمله مسئله ملی همچنان برجای ماند، از این رو چگونگی حل مسئله ملی در ایران، توجه عمیقی را به پیرویه این تحولات اقتصادی - اجتماعی و همچنین تجارب تاریخی جنبش های ملی را می طلبد.

اگر در مقطع شکل گیری جمهوری خودمختار کردستان، تکیه اصلی میبایستی بر روی بسیج عمومی و بلاخص تسلیح دهقانان می بود و بر پیشبرد جنگ دراز مدت توده های تکیه میگردد، امروز بسا توجه به تغییراتی که در ساختار اقتصادی - اجتماعی رخ داده است، مناسبات کارگران و زحمتکشان در شهرها، از وزن بسیار بالائی در جنبش برخوردار گشته است و می بایستی توجه کافی و درخور بسبب آن میدول گردد. امروز اگرچه سازماندهی مبارزات مسلحانه توده های کمکان یکی از عرصه های مهم مبارزه در کردستان است،

پلنوم هفتم اکثریت

راه کارگرا "خرسند" کرد!

حقیروت چیز تلاش نمودند که بحران را از سر بگذرانند، اما بی حیثیتی حمایت از دمکراسی انقلابی ولایت فقیه کفاره بیشتری را طلب میکنند و اکثریتی ها نیز در همان مسیر حزب توده قرار گرفته اند. در این میان اکثریتی های کشتگری با انتقادی بیشتر و پرداخت کفاره بیشتری تلاش نمودند که دل منتقدین شان را بیه دست آورده و مغری برای خلاصی ببابند و چنین نیز شد، چراکه غوغا و شغلا در جبهه فرمیسم فقط منحصر به آنان که بسا حمایتان از جمهوری اسلامی آبرو باخته شده بودند نبود، در بیرون از این کمپ نیروهای که فرمیسم را در قالبی نو عرضه میکنند منتظر بودند تا از ایس تغییر و تحولات و آب گل آلود ماهی خود را بگیرند و به تقویت خط فرم منهای حمایت از جمهوری اسلامی بپردازند. راه کارگر پرچم دار این خط شد.

بر اساس چنین تغییر و تحولاتی در حالیکه انشعابات و جدائی ها از فرمیسم بی حیثیت شده در بلوک اپورتونیستی حزب توده و اکثریت بالا میگرفت، اتحاد عمل جدیدی برای تشکیل یک جبهه فرمیستی آغاز به شکل گیری نمود. اکثریتی های کشتگری دستان منتهی از حزب توده را می فشردند و راه کارگر، دستان اکثریتی های کشتگری را.

مجوز ورود به این جبهه جدید در حال شکل گیری نیز عبارت بوده است از: انتقاد بخود، نسبت به حمایت از جمهوری اسلامی، ورودی ارزانی است، اما این ورودی متناسب است با نمایش تکراری فرمیسم در قالبی جدید، و چنین است که راه کارگر با خرسندی و تادمانی فراوان از پرداخت این ورودی به منابه کفاره گناهان اپورتونیسم به استقبال یاران جدید می شتابد.

راه کارگر درسی و چهارمین شماره نشریه اش تحت عنوان "خلاصه ای از نظرها درباره نتایج پلنوم هفتم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران" به استقبال کشتگری ها شتافته و مسلاک پذیرش در کمپ فرمیسم راه کارگری را با

مراحت بیشتری از گذشته بدمانسا گذاشته است. راه کارگر در این مسورد می نویسد:

"سازمان فدائیان خلق ایران (یعنی اکثریتی های کشتگری) سرانجام اعتراف کرد که رژیم جمهوری اسلامی همانا افرادی قیام بهمن، رژیم ضد انقلابی بوده است. باین ترتیب این ادعای پوچ که گویا حکومت خمینی تا زمانی که مورد حمایت همه جانبه این سازمان قرار داشته انقلابی بوده و سپس دچار استحاله شده است، بطور ضمنی مردود اعلام شده است. این کام کیفی مثبتی است، که هر چند پس از دودلسی و تردید طولانی برداشته شده است، اما بهر حال گامی به پیش است و ما آن خرسندیم. راه کارگر بواقع در اظهاری خرسندی اش صادق است، چرا که بقول خودی این کام کیفی مثبت ارسوی اکثریتی های کشتگری تمام موانع حقوقی و صوری را به یک طرفه العین به حلقه های مسودت و همیاری تبدیل نموده است. زودی راه کارگر ارزان است، چرا که اهدافش ارزان و منطقی با وسع ورودی دهندگان، برای راه کارگر اصل همین با مطلق گام کیفی مثبتی است که از سوی کشتگری ها برداشته شده است.

پذیرش اینکه رژیم جمهوری اسلامی ار همان فردای قیام مد انقلابی بوده است، امری که دیگر همه کس جر آن دستار اپورتونیسمهای کودسی که شرایط امرور را درک نمی کنند، به آن معترف اند. از نظر راه کارگر اذعان به صد انقلابی بودن جمهوری اسلامی از همان فردای قیام آن کام کیفی مثبتی است که آب تطهیر بر خیانت های دیروز و نیز امرور میریزد و همه چیز را برای ایجاد بلوکی جدید آماده میسازد.

در مقابل این کل و گدایاریهای فرمیسم در نقد، کمونیستها اما همواره برشکدا شایاتی پای فشرده اند، امری که هم راه کارگر و هم اکثریتی های کشتگری از آن بی بهره اند. اذعان به صد انقلابی بودن جمهوری اسلامی ار همان مسردای قیام بدون ریشه یابی آن و بدون اینکه این نقد در سیاستهای امروز در نظر و در عمل خود را نشان دهد، نقدی است صوری و حقوقی، اما راه کارگر که در انتظار کسرس سوپرمارکتش، چشم به از هم پاشی بلرک

اپورتونیستی دیروز داشته با خرسندی تمام این نقد صوری و حقوقی را پشتوانه گسترش جبهه فرمیستی اش میسازد.

راه کارگر که البته می خواهد هم سروری خود را در این اشتلاف جدید فرمیستی اثبات نماید و هم برای اینکه فرمیسم راه کارگری را از فرمیسم اکثریتی های کشتگری متمایز سازد، تا قدرت جذابه اش را از دست ندهد، در همین اظهار نظر، نسبت به نتایج پلنوم کشتگری ها، انتقاداتی را وارد می آورد، انتقاداتی برای زرو زیور دادن بسا متاعش، بی آنکه اما در اصل قضیه تاثیر داشته باشد، چرا که خود نیز بسا نوعی حامل همان انتقاداتی است که به اکثریتی های کشتگری وارد می آورد.

ار همین روراه کارگری می نویسد:

"در رابطه با گذشته، پلنوم از سر گونه مراحت در ارزیابی سیاست گذشته این سازمان ظفره رفته و ندامت خود را از گذشته خیانت بار کاملا بدشیشه ای فرصت طلبانه و درغالب اینکه کمونیستها چه می بایست میکردند، القاء کرده است." اینک کشتگری ها در ارزیابی سیاست گذشته مراحت ندارند و فرصت طلبانه به غور در گذشته پرداخته اند، برای راه کارگر از اهمیت اساسی برخوردار نیست و در با مطلق گام کیفی مثبت کشتگریها که بقول خود راه کارگر فرصت طلبانه بوده است، هیچ تغییری نمیدهد. چه در مثبت بودن و چه در کیفیت اش. در حقیقت اشکال ذات و انتقاداتی که راه کارگر نسبت به نتایج پلنوم کشتگریها وارد میسازد، به همان اندازه بی ریشه سطحی و حقوقی است که انتقاد خود کشتگریها از خیانتها خود، برخی از انتقادات راه کارگر را در اینجا بارگز می کنیم تا مشخص شود که چرا راه کارگر نمیتواند بر اساس نقصد کمونیستی به انتقاد از کشتگریها بپردازد چرا که خود بدو همان بتی می چرخد که کشتگریها، گیریم در دمدار، راه کارگر در نقد کشتگریها می نویسد:

"اما منافه در همین قدم های به بی نیز از جاده مارکسیسم-لنینیسم پرت افتاده است چرا که دفاع از آزادیها سیاسی و برسمیت شناختن حق تشکیل پرولتاریا را معیار انقلابی بودن گرفته است. حال آنکه از دید کمونیست ها در

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



دنباله روی و درماندگی خود را در مسائل لنینی سازماندهی و اینکه خود در این زمینه فاقد هرگونه نقشه‌ای می باشد توجه نماید، که البته این توجیهات اکونومیستی همواره و به سبب اسلاف سهند، با کلمات و عباراتی همچون "شرایط عینی" و "در این مقطع" و "در شرایط کنونی" و غیره توأم میگردد.

البته نشریه "کمونیست" علی‌رغم آنکه "تنها راه" ویا "نقطه عزیمت" سازماندهی کمونیستی را همان محافل خودبخودی کارگری میدانند، در عین حال آنقدرها هم از اشکال عالیتر و پیچیده‌تر سازماندهی بی خبر نیست و لفظاً توجه خود را به اشکال متنوع سازماندهی از جمله سازماندهی حزبی به "اندازه کافی" معطوف میسازد. "کمونیست" مینویسد:

"متحد کردن طیف کارگران کمونیست اشکال متنوعی میتوانند بخود بیدارد. سازماندهی در حزب و روابط پیرامونی آن یکی از اشکال ممکن (؟) و لازم است. اما (این از همان اماهای معروف شجدرینی است) در این مرحله توجه اصلی ما، تا آنجا که سازماندهی وسیع‌تر این طیف را مدنظر داریم باید به سازماندهی محافل کارگری معطوف شود. تنها بر مبنای ایجاد یک جریان کمابیش متحد از کارگران کمونیست در شبکه‌های وسیع محفلی است که میتوان اشکال پیچیده و تخصصی تر مبارزاتی را بوجود آورد" (پراگنتها از ما است)

همانطور که ملاحظه میکنید این بلوک بظاهر کمونیست بطور کلی و در ظاهر نیز به سازماندهی حزبی کارگران اعتقاد دارد و وبدون آن را "ممکن" نیز می‌شمارد، اما زمانی که پای برخورد مشخص به میان می‌آید، همان تکیه‌گاه اصلی و همیشگی اکونومیست‌ها یعنی "در این مرحله" و "شرایط فعلی" سازماندهی حزبی را عملاً منتفی میگرداند و خود به تابعی از دیگر اشکال سازماندهی و علی‌الخصوص محفل خودبخودی کارگری مبدل میگردد، چنین است تئوریهای بسیار مشعشعانه آقای منصور حکمت و هم مسلکان ایشان در مورد سازمانیایی طبقه کارگر و همه‌ای از تلاشها آنان در به عقب کشاندن کارگران.

محل سهند بهر سو که می‌بخرد سر از همان محفل کارگری یعنی شکل بدوی جمع کارگران در می‌آورد، کوشش‌های این محفل در فضیلت جلو بردن نارسائی‌های این سازماندهی و کمونیستی خواندن آن، به جایی نمیرسد. تفکر و افق دید محسود

## "سازمانیایی محفلی"

### ترد یونیونیسم و ...

این عقب ماندگان دیر رسیده، آنان را در حول و حوش همان خواست‌ها و مبارزات روزمره کارگری می‌خکوب میکنند و فرمول بندی آنها نیز نمیتواند از این چهار چوب خارج شود، آن وظایف تردیونیونی، در این شکل عقب مانده سازماندهی جنسی میگیرند تا شکل و مضمون کاملاً برهم منطبق گردند و این به معنای آن است که سهندیها در عمل همانطور که پیش از این دیده‌ایم، سیاست کمونیستی را تا درجه سیاست بورژوازی تنزل میدهند، شگفت‌آور است اینان که میخواهند از طریق محافل بدوی خود بخودی کارگری و نهایتاً اشکال تردیونیونی شکل مبارزات کارگران را پیش ببرند، خود را کمونیست نبر میخوانند و اما سالها پیش لنین پاسخ این عقوبت‌ماندگان را داده است، او در مبارزه‌اش علیه اکونومیست‌ها، این درجه از وظایف را در حد تحصیل کرده‌های لیبرال روسی میدانست و به کسانی که خود را "پیش‌آهنگ" میخواندند اما از پیس کارگران راه میرفتند و میخواستند... وظایف کمونیست‌ها را در حد همان وظیفه نمایندگان پیشرو دمکراسی بورژوازی محدود کنند، از زبان این نمایندگان چنین بیان میداشت: "مگر نه این است که ما هم مانند همه بورژواهای اروپائی میخواهیم کارگران را به سیاست جلب کنیم، منتها فقط به سیاست تردیونیونی نه سیاست سوسیال دمکراتیک" و سپس چنین اضافه میکند که "سیاست تردیونیونی طبقه کارگر همان سیاست بورژوازی طبقه کارگر است و طوری هم که این "پیش‌آهنگ" وظایف خود را فرمولبندی میکنند همان طرز فرمولبندی سیاست تردیونیونی است" (لنین: چه باید کرد)

بلوک اشتلائی (کومه‌له - سهند) اما میخواهد بطور کاملاً به کام حرکت کند، در کام نخست ("در این مرحله") محفل کارگری ایجاد کند تا در کام بعدی بتوان اشکال دیگری از سازماندهی ایجاد نمود. اینان با عدم درک لنینی از سازماندهی طبقه کارگر و نداشتن نقشه برای کار دامنه‌دار و جسورانه، در عمل به میلیغین تئوری منشویکی مراحل مبدل میگردند. بیهوده نیست که با اصطلاح سازمان کردستان این "حزب" یعنی کومه‌له عزم خود را در دعوت

کارگران و زحمتکشان کردستان به درجا ردن و حتی به عقب کشاندن آنان جزم کرده است و با آنجا که حوزه عملش به او اجازه میدهد - هر چند که این حوزه عمل بسیار محدود است - سعی میکند با آهنگهای مختلف به این ایده‌ها عمل بیوانند، از این روماد مبرم محور خواستهای اقتصادی می‌چرخد و بجای آگاهی دادن به کارگران و زحمتکشان و توضیح همه‌جانبه سیاست پرولتری در قبال کمبودها و مشکلات روزمره آنان ویا کوشش پیگیرانه در جهت روشن ساختن رابطه ناکستنیسی تمامی این معضلات با رژیم سرمایه‌داری، سعی در محدود کردن کارگران در همان چهار چوب سیاست‌های اکونومیستی دارد میگوید:

"برای جلوگیری از پیشروی دشمن و مبارزه در برابر دست درازیهای کارفرمایان امروز لازم و ضروری است و شرط لازم پیشروی در این است که ابتدا هجوم دشمن را متوقف و زمینه‌های به شکست کشاندن آن را فراهم نمائیم" و یا "خواست بیمه‌بیکاری یکی از درخواستهای مهم کارگران در مبارزه طبقاتی آنان علیه سرمایه‌داری و حکومت اسلانی آن است. تحمیل و تثبیت این حق عادلانه بر جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران از اهمیت فراوانی در آینده مبارزه شما کارگران دارد و فتح یک سنگر جدید حکومت سرمایه هموارکننده فتح سنگرهای دیگر و هموارکننده گسترش مبارزه‌تان به منظور وادار کردن جمهوری اسلامی به عقب نشینی هر چه بیشتر است" و "مقابله با دست درازیهای کارفرمایان به کمترین امکانات رفاهی کارگران از قبیل یک وعده غذای گرم، سرویس‌های بهداشتی و غیره به یکی از عرصه‌های نسبتاً گسترده مبارزه امروز کارگران تبدیل شده است" ("صدای انقلاب" ۲۷ / ۹ و ۶۵/۱۰/۱۱)

زمانی اکونومیست‌های روسی در مقابله با ایده‌های مارکسیستی لنین در زمینه سازماندهی، او را به ذهنی گراشی و یا کسیکه به ایدئولوژی و آگاهی سیاسی نقش و بهاء زیادی میدهد، متهم میساختند و در توجیه سیاستهای اکونومیستی و دنباله‌روانه خود و برای آنکه با اصطلاح در میان توده‌های کارگر منزوی نشوند مطرح میساختند که "افزایش یک کوپک بر هر مناتی از هرگونه سوسیالیسم و هرگونه سیاستی به قلب نزدیک تراست" و یا "اینگونه خواست‌ها (خواستهای اقتصادی)

بانگ توخالی نخواهد بود زیرا که وعده نتایج معین و محسوسی را میدهد و ممکن است از طرف توده کارگر جداً پشتیبانی شود. (چه باید کرد) امروز سوسیالیستهای خرده بورژوازی ما سه مبارزه کارفرمایان برای "یک وعده غذای گرم" و یا "سرویس ایاب و ذهاب" و امثالهم که برای عموم کارگران به "قدر کافی" عینی و محسوس است مشغول اند. آنان که هرگونه پیشروی را "در این مرحله" منوط به کسب و یا تحقق چنین مطالباتی میکنند، آشکارا در برابر این خواستهای مشخص و "محسوس" جبهه بر زمین میسایند و عجز مفرط خود را از درک، توضیح و یا کاربرد ارتباط صحیح مبارزه سیاسی با اینگونه مبارزات نشان میدهند.

و اما هم نگارندگان "کمونیست" و هم سازمان کردستان آنها، عاجز از درک این مسئله اند که "مبارزه سیاسی سوسیال دمکراسی بمراتب دامن دارتر و پیچیده تر از مبارزه اقتصادی کارگران علیه کارفرمایان و حکومت است، بهمین ترتیب (و در نتیجه این) هم سازمان حزب انقلابی سوسیال دمکراتیک ناگزیر باید از نوع دیگر و غیر از سازمانی باشد که کارگران برای این مبارزه دارند (چه باید کرد) تا کید و پیرا نتر از لنینین) بدین ترتیب ملاحظه میشود که جملات پرطمطراق بلوک اشتلاقی در مورد چگونگی ایجاد شکل های پیچیده تر بر مبنای محافل خود بخودی و یا فتح سنگرهای جدید برای جلوگیری از پیشروی دشمن که سعی میشود به انتها درجه انقلابی جلوه داده شود، در حقیقت کوشش های کهنه شده ای است که از جانب اکونومیست های روسی بکار گرفته میشود. آقای حکمت نیز که میخواهد گام به گام و مرحله به مرحله پیش رود بدو به همان مطالبات اقتصادی و روزمره چنگ میزند، از طرح ضرورت پرورش روح فعالیت طبقه کارگر به شیوه سوسیالیستی امتناع میورزد تا بعد و با تجمع قوای بیشتر علیه "دشمن" به جنگ بپردازد. آقای حکمت در گام اول میخواهد صدر صد اکونومیست باشد تا قادر به برداشتن گامهای "سوسیال دمکراتیک" گردد.

"مارتینف و سایر اکونومیست ها قضیه را اینطور تصور میکنند که کارگران نخست باید بوسیله مبارزه اقتصادی علیه کارفرمایان و حکومت برای خود تجمع قوا نمایند (برای سیاست تردیونیونی) و

## "سازمان نیایی" (حکلی):

### ترد یونیونیسم و . . .

بعد از قرار معلوم از مرحله "پرورش روح فعالیت" به شیوه تردیونیونیستی به فعالیت به شیوه سوسیال دمکراتیک بپردازند" (چه باید کرد، تاکید و پیرا نتر از لنینین)

خواننده نباید تصور کند که تشابهات آشکار سخنان و استدلال های مارتینف و امثال آقای حکمت امری تصادفی و یا اتفاقی است. اکونومیست ها پیوسته در مسائل سازمانی نیز مانند مسائل سیاسی از سوسیال دمکراتیسم به تردیونیونیسم منحرف میشوند. تئوری پرداز اکونومیست ما آقای حکمت اما در تکریم از سبب له روی دفاع از اینگونه تئوری های منشویکی - برنشتینی، با پوشش الفاظ مارکسیستی به عیب تلاش دارد تا اکونومیسم را عین کمونیسم جا بزند. سعی میکند درستی اینگونه تئوری ها را اثبات نموده و علل آنکه محافل کارگری تنها شکل سازمانی کارگران است را بدین شکل فرمولبندی کند:

"اشکال جا افتاده و حرفه ای تر سازمان نیایی کارگری مستلزم سنت های ریشه دار ترکا حزبی و کمونیستی متشکل در درون طبقه است. و با لایحه این شکل (محفل کارگری) برای ابرار وجود (تاکیدازما) طیف کارگران کمونیست در راس جنبش اعتراضی کارگران در کوتاه ترین مدت ممکن (تاکیداز کمونیست) بسیار مناسب است" و یا "ما نمیتوانیم در متن یک رکود و تفرقه در میان طبیف رادیکال کارگران یک سازمان حزبی وسیع و محکم کارگری ایجاد کنیم" و "بدیهی است که شکل محفلی نمیتواند جای سندیکا و شورویا حزب را بگیرد و از توانائی کمی برای رهبری مبارزات گسترده تر برخوردار است، اما بهر حال در کشوری که طبقه کارگر از حق تشکیل محروم است محافل کارگری تشکلی حاد، ابتدائی و یک سد دفاعی (تاکید از "کمونیست") است که بورژوازی ایران قادر نیست کارگران مبارز و پیشرو را از آن عقب تر براند. با تغییر تناسب قوا و به درجه ای که طبقه کارگر بتواند عملاً خود را در مقابل بورژوازی متشکل کند و عملاً از حق شکل برخوردار گردد (نظیر دوران انقلاب ۵۷) شکل محفلی کارگران مبارز

و پیشرو جای خود را به نوع پیشرفته تر و متشکل های حزبی و کارگری خواهد داد". "کمونیست" با سردادن نغمه های بیاس آلود مورد پسند عموم اکونومیست ها، ارتقیل "رکود" و نبود "تناسب قوا" و تصدق جوشی بدان، شالوده فکری را که بر آن مبنای "نقطه شروع حیاتی" فعالیت خود را محفل خود بخودی قرار میدهد تا حدودی روشن میسازد، نگارندگان این "کمونیست" با شکوه گزاری از نبود شرایط انقلاب ۵۷، محور فعالیت خود را همان اصلاحات جزئی اجتماعی و همان فعالیت های قانونی در چهار چوب قوانین و نظم بورژوازی قرار میدهند. خواست های روزمره و مبارزه اقتصادی را عمده میکنند تا کلیت نظام بهره کشی را از ریر ضرب خارج سازند و تنها به آنچه که در شرایط فعلی و "مرحله" کنونی ممکن است روی می آورند. اینان تا بدانجا پیش میروند که با طرح این نکته که در شرایط فعلی اساساً سازماندهی حزبی ممکن نیست، آب پاکی روی دست همگان میریزند و آن را موقوف به "ایجاد فضای باز سیاسی" و آنچنان شرایطی میکنند که طبقه کارگر از حق شکل برخوردار گشته است.

علاوه بر این ها، بلوک اشتلاقی (گرمه - سهند)، از آن رونق گرفته عزیمت سازمان نیایی مدنظر خود را محافل خود بخودی کارگری قرار داده است که آن را مناسب ترین شکل در شرایط ایران یافته است و از آن رو این محافل مناسب ترین تشخیص داده شده اند که به مثابه شکل های حرفه ای - آنهم نه در حد اتحادیه، که اشکال مبتدی تر آن - محسوب میگردند. این شکل های حرفه ای بدوی که قرار است بعدها به اشکال متکامل تر شکل های حرفه ای بدل شوند، شا هکار آقای منصور حکمت و اوچ کوشش های اکونومیستی بلوک اشتلاقی، این منشیان تردیونیونیسم را به نمایش میگذارد.

"کمونیست" می نویسد:

"اگر ظرف تشکیلاتی متعارف فعالیت ابرار وجود مبارزاتی کارگران اروپائی اتحادیه است در ایران این طرف محافل و شیکه های محفلی است".

بدین طریق هر قدر بیشتر دلائل و مبنای فکری سازمان نیایی کارگری بلوک اشتلاقی، توسط قلم زنان "کمونیست" توضیح داده میشود، عمق اکونومیسم خرده کاری و عقب ماندگی این بلوک را بیشتر روشن

مسار د. تشریح برداران سهدی که هنوز سردرهمان حال و هوای اروپا دارند، بالاخره بیس از کنگاش های زیبا دناسته اند چیزی شبیه اتحادیه کشف کنند، ایمن مولود عقب مانده که به ادعان خود "کمونیست" از اتحادیه و سندیگان نیز عقب مانده ترو بدوی تراست، اما در عین حال سعی میشود چیزی نوظهور بدیع جلوه کند، همان ظرفی است که طبقه کارگر ایران بتواند از طریق آن به "ایرا وجود" بپردازد، برای آقای حکمت و هم محفلی های ایشان همین کافی است که کارگران در ظرف "محفل" اظهار وجود کنند و بسا برخورداری از این ظرف از مبارزه سیاسی دست بشویند و حتی فکر گرفتن قدرت سیاسی را به مغز خود راه ندهند.

و اما نگارندگان بسیار خردمند زبیه "کمونیست" با اظهارات خود پسندانه ای به ذکر دلائل دیگری جهت مناسب جلوه دادن این محافل میپردازند دلائلی که در واقع امر جز توجیهی ناکافی حتی در خام کردن و با مجاب نمودن خود هواداران این بلوک بیش نیست، کمونیست مینویسد:

"بعلاوه از لحاظ امنیتی، سازمانیابی محفلی کارگران به دلیل اتکاء آن به روابط طبیعی - و در واقع بدلیل اینکه خود یکی از روابط طبیعی در درون طبقه است - بسیار بیشتر از اشکال پیچیده تر سازمانی در برابر فشار پلیس سیاسی مقاوم است."

این دیگر جز پشت کردن آشکار به مبانی سازماندهی لنینی و نفی آن، و جز زبانه جلوه دادن تمام آن تجاربی که کمونیست ها در طول مبارزات خود بدست آورده اند و جز سقوط به روطه لیبرالیسم تشکیلاتی چیز دیگری نیست. در دستگاه فکری بلوک اشتلاقی شکل های پراکنده و بی دروپیگری که قرار است وسیعاً توسعه کارگران را در خود جای دهند و از همین رو امکان پنهان کاری در آنها بدرجات بسیار زیادی پائین میآید، هم سازماندهی کمونیستی کارگران اطلاق میگردد و هم بخصوص آنکه اینگونه محافل در برابر فشار پلیس سیاسی و از لحاظ امنیتی از شکل های حزبی و یا سازمان انقلابیون حرفه ای مقاوم تر قلمداد میشود. این مرعظه های کهنه شده اکونومیستی منشویکی که بطور نا سنجیده ای از زبان آقای حکمت بیرون بریده است البته ناهماری تصادفی و نه دور از انتظار بود، شیفتگان مبارزه خود بخودی با عشق اکونومیستی به خورده

## تازمانیایی و محفلی

### تردیونیونیسیم و ...

کاری آنطور که دیدیم میکوشند تا نارسائی های مربوط به این شیوه سازماندهی را حسن و مزیت آن جلوه دهند و این نارسائی را تا درجه فضیلت نیز ارتقاء دهند.

بنظر نمیرسد سازماندهان "محفلی های کارگری" که میخواهند کارگران را وسیعاً متشکل سازند، ندانند و یا آنکه حداقل تجارب مدون تاریخی را در این زمینه مطالعه نکرده باشند که چنین تشکلهای محافل خود بخودی و حرفه ای نمیتوانند کم دامنه و یا کاملاً مخفی باشند، اینگونه تشکل ها آنطور که لنین نیز به آنها اشاره کرده است بقدر ممکن باید دامنه اش وسیع و حتی المقدور کمتر پنهان باشند و برخلاف یک تشکل حزبی که انقلابیون حرفه ای را در خود جای میدهد، پنهان کاری در اینگونه سازمانهای وسیع را "هیچگاه نمیتوان به آن درجه علائق که بدون آن اصلاً درباره مبارزه استوار و مداوم بسا حکومت جای سخی هم نمیتواند در میان باشد" (چه باید کرد - لنین) رسانند، چرا که اساساً کثرت عددی کارگران متشکل در اینگونه تشکل ها عملاً در جرعایت مخفی کاری را پائین میآورد، تا آنجا که رعایت کامل پنهان کاری غیر ممکن میگردد. همین جنبه و ویژگی اینگونه تشکل ها و از جمله "محافل کارگری" سهدن نیز هست که به حضور پلیس سیاسی در آن امکان می بخشد و آنان با شرکت در اینگونه محافل و با پائیدن افراد "یا حشرات" میتوانند از این طریق حتی خود را به سازمانهای حزبی نیز داخل نمایند.

هرکس مقاله "سیاست سازماندهی ما در میان کارگران" بقلم آقای حکمت را خوانده باشد، به سادگی دریافته است که "چگونه یک اکونومیست از هرگونه تصویری مبنی بر اینکه "سوسیال دمکرات" باید بیشتر از هر چیزی دیگری در فکر ایجاد سازمانی از انقلابیون یعنی سازمانی باشد که بتواند بر تمام مبارزه آرا بدیشش بیرون تار یا رهبری کند، عاری است." (چه باید کرد - تاکید از لنین) ارا بیس رو ارائه با صلاح چنین استدلال هائیی از جانب بلوک اشتلاقی کومه له - سهدن بیش از آنکه بتواند در صحت نظرات این بلوک بکار آید، بطور آشکاری بی جابجایی،

سردن و سوانی آسپارا در تشریح و عمل سان مبادر. اس خیال بردازان خورده کار و مبلعین تردیونیونیسیم که بر آنستند تا از طریق ایجاد تشکل های وسیع حرفه ای به تشکل های حزبی دست یابند، حتی از عملی ساختن همان هدفهای تردیونیونی نیز باز می مانند، لنین چقدر بیجا در مورد این خورده کاران گفته است:

"اگر ما کار را از پی ریزی محکم سازمان استوار متشکل از انقلابیون شروع کنیم خواهیم توانست استواری جنبش را من حیث المجموع تامین نموده هم هدفهای سوسیال دمکراتیک را عملی سازیم و هم هدفهای تردیونیونی را و اما اگر کار را از سازمان وسیع کارگری که با اصطلاح از همه بیشتر در "دسترس" توسعه باشد (و در عمل از همه بیشتر در دسترس زاندارم ها بوده و انقلابیون را از همه بیشتر در دسترس پلیس قرار بدهد). شروع کنیم، آنگاه مانه این هدف و نه آن دیگری هیچیک را عملی نخواهیم کرد، از خورده کار خلاص نخواهیم شد و با پراکندگی و اضمحلال دائمی خود فقط تردیونیونی هائی را از نوع زبوتف یا ازرف میتوانیم بیش از همه در دسترس توسعه قرار دهیم" (چه باید کرد) بلوک اشتلاقی (کومه له - سهدن)، این ستایشگران جنبش خود بخودی و شیفتگان خورده کاری که بر آستی از درک و وظائف سیاسی عاجز اند، وظایف خود را تا سطح فهم عقب مانده ترین کارگران تنزل میدهند، در واقع امر بر اساس محدودیت فعالیت سیاسی، محدودیت کار سازمانی را نیز تقدیس میکنند و سعی دارند آنرا قانونیت بخشند. با کرنش در مقابل شکل های سازمانی که خود بخود بوجود می آیند، کار سازمانی را به چهار چوبهای بدوی محدود و مقید می سازند.

سپا هیان درهم ریخته و هزیمت کرده "حزب کمونیست" در هبنت "محافل کارگری" با مهمات و تدارکی که بطرز حیرت انگیزی بدوی است، بسان دهقانی که از پشت گسا و آهن آمده باشد، فقط چاق بدست به جنگ میروند بدون داشتن هیچگونه نقشه مرتب فعالیت برای یک مدت نسبتاً طولانی با کارگران رابطه برقرار نموده و به کار اقدام می نمایند... و بسا عملیات جنگی آشکاری هم ممکن است به عملیات جنگی موقع یا نخستین ورقه تبلیغاتی باشد یا نخستین شماره روزنامه و یا نخستین نمایش (و معمولاً از همان آغاز

سازمانیابی محفلی:

تردییونیونیسیم و ۰۰۰

شروع این عملیات بلافاصله کاربسته ناکامی کامل می گراید، علت ناکامی فوری و کامل آنهم این است که عملیات جنگی مذکور نتیجه نقشه‌ای منظم برای یک مبارزه طولانی و سرسخت نیست که قبلاً برآورد و به تدریج تهیه شده باشد، بلکه صرفاً نتیجه رشد خود بخودی کاری بوده که طبق سنن موجود در محفل ها انجام می‌شده است." (لنین - چه باید کرد)

چنین است تصویر از "سازماندهی کمونیستی کارگران" "حزب کمونیست"، سازماندهی کارگری نه برای "مبارزه ضد استبدادی" بلکه "سازماندهی طبقه کارگر برای انقلاب کمونیستی"!

وقتی که مبارزه همه جانبه سیاسی طبقه کارگر به مبارزه اقتصادی محدود گردید، وقتی که مبارزه جهت مطالبات روزمره در تجمع‌های پراکنده محصور

اقتصادی را بین برد، با معنوعیست و سرکوب رژیم به غایت ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی مواجه میگردد، از همین زاویه است که اگر اعمال زور و سرکوبی محدود و سلطه اقتدار ارگانها شهناسی بورژوازی حاکم از یک طرف فکر کارگران را که مبارزه اقتصادی مشغول اند، بطور اجتناب با بدیری به مبارزه سیاسی سوق میدهد، از طرف دیگر فکریه کمونیستی امثال بلوک ائتلافی (کومله - سپند) را با اختلاط تردییونیونیسیم با "سوسیال دمکراتیسم" سوق میدهد.

زمانی که تحت شرایط جنبش ارتجاعی ایران و عراق کوچکترین حرکت کارگرانی که قیام ۲۲ بهمن و تجارب آن را پشت سر دارند به سرعت جنبه سیاسی بخود میگردد و کلیت رژیم بی شباهت بورژوا - مذهبی حاکم را زیر سؤال میبرد این آقایان میکوشند تا کارگران را به عقب بکشانند، بی سازمانی و پراکندگی را در میان آنها اشاعه دهند تا کارگران را در اسارت ایدئولوژیک بورژوازی نگاه دارند.

فعالیت و مرکز نقل سازماندهی کارگری قلمداد شود، وقتی که خرده کاری، تسلیم طلبی و دنباله روی مبارزه کمونیستی اطلاق گردد، وقتی که سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را بودی سرمایه داری حاکم و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و متحدین داخلی خود در انقلاب ایران جای خود را به "اظهار وجود" کارگران در ظرف "محفل" بسپارد، وقتی که در عمل مبارزه انقلابی در راه آزادی و سوسیالیسم جای خود را به مبارزه در راه اصلاحات اجتماعی جزئی بدهد و رفرم جای انقلاب را بگیرد، طبیعی است که نیازی به یک سازمان سراسری و متمرکز نیز احساس نشود، گذشته از اینکه مبارزه اقتصادی در اساس مبارزه‌ای پراکنده و غیر متمرکز است و بر این پایه نمیتواند سازمان متمرکز و سرتاسری شکل بگیرد.

در کشور ما و تحت شرایط اختناق و دیکتاتوری که حتی نمیتوان از آزادیهای سیاسی و "دمکراسی" صحبت بمیان آورد، بدون شک ایجاد هرگونه تشکل کارگری حتی تشکل های صنفی و اتحادیه‌ای که بتواند حتی همان اهداف و وظائف محدود و

پلنوم هفتم اکثریت . . .

جامعه سرمایه داری موضع طبقات در مقابل اقتدار سیاسی پرولتاریا است که ارتجاعی یا انقلابی بودن آنها را معین میسازد. پلنوم همچنین با اعزیمت از دمکراسی بورژوازی بعنوان معیار انقلابی بودن، به ضد انقلابی بودن رژیم جمهوری اسزمنی رسیده است. در توبه از خط مشی گذشته، خط مشی رفرمیستی را جایگزین آن ساخته است.

می بینید، این تمامی آن نقدی است که راه کارگر به کشتگری ها وارد میکند تا در حقیقت متاع رفرمیستی خود را با آب طلا ببوشاند. آخرین نقد که نقد خود راه کارگر است، آنچه که در این مورد کشتگریها گفته و میگویند مگر بسا تمایلات و نظریه های راه کارگر متفلساوت است؟ آیا اختلاف فقط بر سر فرمولبندی و نحوه ارائه یک مضمون مشترک است؟ مگر این راه کارگر نبود و نیست که مطرح می

از موضع پرولتری؟ بی جهت نیست که راه کارگر پس از این همه انتقادات و در حقیقت برای خالی نبودن عریضه بالاخره حرف آخرش، حرف دلش را میزند و میگوید: "اما توجه به اینکه پلنوم پذیرفته است که رژیم خمینی از نخستین روز ضد انقلابی بوده و استحاله ای در کار نبوده است، سازمان ما دیگر دلیل برای بایکوت سیاسی سازمان فداشکن خلق ایران نمی بیند و از همکاری و اتحاد عمل با آن در مبارزه برای دمکراسی و همچنین در زمینه جبهه متحد کارگری استقبال میکند."

آن خرسندی اولیه ای که راه کارگر ابراز داشته بود بیهوده نبود. آن با اصطلاح گام کیفی مثبت کشتگری ها پاسخ عملی اش را در انتها میبایست در اتحاد عمل هم بیابد. آنچه که در این میان بین سازمان بعنوان نقد مطرح بوده، جز الفاظی بوجوبی معنا نیست. در حقیقت کشتگریها با آن نقد ماع حقوقی و ملت را از میان برداشتند تا رفرمیسم را بایاری راه کارگر نجات بخشند!

نماید که برای تشکیل جبهه متحد کارگری باید با هر کسی که قلمی و قدمی دارد همگام شد؟ مگر این تئور کارگر نیست که باید بر اساس اصل مشترک نیروهای مخالف رژیم امر مبارزه و اتحاد عمل را به پیش برد؟ مگر این راه کارگر نیست که میگوید دمکراسی را نباید از جنبه طبقاتی آن مطرح نمود؟ مگر بر کردن فخره هولناک و نژیت فقیه با هرات و اشغالی تسمز مششعانه راه کارگر نیست؟ و مگر همین ولایت فقیه ابزاری در دست راه کارگر نشده است که بوسیله آن دمکراسی بورژوازی را نظهر کند و مطرح نماید که اکسوز حتی بخشهایی از بورژوازی نیر دمکرات و آزادیخواه شده اند؟ راه کارگر پس از این صغرا و کبرا کردن ها میگوید که:

"نتیجه آنکه استقادیلیوم از خط مشی خود در مقابل رژیم ولایت فقیه از موضع دمکراسی بورژوازی صورت گرفته است و نه از موضع پرولتری."

اما برآستی بر کردن فخره هولناک و نژیت فقیه از کدام مرمعی مطرح شده است؟ از موضع دمکراسی بورژوازی یا

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## قطب‌نمای . . .

جمهوری اسلامی چه شکل دولتی برجامعه تسلط پیدا خواهد کرد، چه نوع ازمکراسی و چه نوع ازدیکتاتوری برله وعلیه کدام یک از طبقات واقشار جامعه استقرار خواهد یافت .

تاکنون روشن گردیدمجا همدین خلق و حزب دمکرات درپس تاکتیکهای لیبرالی، چه درکی ازمکراسی وایزار اعمال آن بتوده‌ها ارائه میدهند و جوهر بورژواشی تفکر آنان لیبرالیسم هر دورا چگونه در اساسی ترین مواضع برهم منطبق میازد . آنان از نهادهای ارتجاعی و کهنه شده بورژوازی بدفاع برخاسته اند ، آنسان مخالف هرگونه تغییرات انقلابی - دمکراتیک درجامعه اند ، بابدست گرفتن قدرت توسط کارگران وزحمتکشان واعمال حاکمیت شورائی مخالفند ورهبری طبقه کارگر راباخط مشی مستقل مانع اساسی تحقق آرمانهای بورژوا - رفرمیستی خود می بندارند .

اما گرایشات بورژوازی تنها در برنامه وخط مشی لیبرالی مجاهدین و حزب دمکرات موج نمیزند . رفرمیسم نیز بعنوان یک گرایش بورژواشی بالیبرالیسم همدا میگردد (۱) . رفرمیسم مسداح لیبرالیسم است .

بعداز حزب توده واکثریت ، راه کارگر درهیئت سوسیال رفرمیستها این وظیفه رابرعهد گرفته است . پزهای سوسیالیستی راه کارگر نمیتواند هیچ کارگر آگاهی را خام کند و آنرا به ورطه رفرمیسم درغلطانند .

راه کارگر از "سازماندهی هزمونی و قدرت طبقه کارگر" ، "ضرورت سازماندهی توده‌ها از طریق پرولتاریا وحول برنامه و تاکتیک آن" وتشکیل "جبهه متحد توده‌ای حول سه شعار آزادی ، استقلال و حکومت شورائی" سخن میراند ، اما اینها بیانه‌های راه کارگر است .

درآن هنگام که مجاهدین در بسک ائتلاف بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت قرار میگردد ، راه کارگر با عجز و لابه میگوید :

"جبه انقلابی باید بسودن سکتاریسم وبدون خوش باوری به ائتلاف و سازش‌هایی با این نیروها (مجاهد و مؤتلفینش) دست بزند" وهمچنین ، "اشتقادما به شورای ملی مقاومت قبل از

آنکه متوجه برنامه آن بمثابه برنامه دولت موقت باشد نقداً متوجه برنامه و تاکتیک آن در رابطه با سرنگونی رژیم خمینی است ."

این عقب گرد از برنامه و تاکتیک پرولتاریا یک پشتک وارو نبوده بلکه یک سیاست است که برنامه بورژوا - رفرمیستی "دولت موقت" مجاهدکه با آزادی ، استقلال وحکومت شورائی درتایین قرار دارد را نقداً مورد توجه قرار نمیدهد و حتی حاضر است با آن دست بسد ائتلاف وسازش نیز بزند .

راه کارگر در حالیکه ظاهراً از موضع منافع طبقاتی پرولتاریا به طرح شعار "حکومت شورائی" میپردازد اما در واقع مدتهاست به ملجاء آرمانیاش یعنی "پارلمانتاریسم" دخیل بسته است . راه کارگر نوشته است :

"کارگران وزحمتکشان ایران که دیکتاتوری طبقاتی سلطنت را سرنگون کردند و دیکتاتوری شبه پارلمانی رابسه کمال رسانده ومیرسانند تا سرنگونش کنند ، قوه مجریه رابه کمال میرسانند وشکل تمام عیار بآن میدهند ، منفسردش میکنند و بعنوان یگانه آماج حملات در برابر خود قرار میدهند تا تمام قسوی تخریب خویش راعلیه آن متمرکز ساخته سرنگونش نمایند" . (مقاومت انقلاب علیه رژیم فقها )

راه کارگر پس از گذشت یک سده و اندی از کمون پاریس که پرولتاریای جهانی تجارب عظیمی آموخته است ، در حالیکه نهادهای ارتجاعی نظیر پارلمان بورژواشی بارها و بارها در کشورهای مختلف نقش ضد انقلابی خود را با ثبات رسانیده اند و "امروز جنبش شورائی فقط شکل خاص قدرت پرولتاریای روسی نیست بلکه به سیاست پرولتاریای بین المللی در مبارزه اش برای کسب قدرت تبدیل گشته است" (لنین) ردیلانه به کمال رساندن پارلمان رابیش روی کارگران ومتمدینش قرار میدهد ، مکتب بورژوازی به راه کارگر خوب آموخته است تا در مقابل "جنبش شورائی" که رسیدن به حکومت شورائی را آماج قرار میدهد و در مقابل پرورش سیاسی توده‌ها با روحیه دمکراتیسم بیگیر که اسوی نمایندگان آگاه طبقه کارگر انجام میگردد ، چگونه روحیه پارلمانتاریستی را در بین مردم رواج دهد .

خروش فایدشولویک رویونیستها نیز در گزارش به کنگره بیستم حزب

کمونیست شوروی با تجدید نظر در لنینیسم اعلام داشت : "تحصیل اکثریت محکمی در پارلمان وتغییر پارلمان به ارگان قدرت توده‌ای ، همراه با یک جنبش انقلابی سیرومند در کشور ، به معنای شکستن دستگاه نظامی وبوروکراتیک بورژواشی وبه معنی اسخا در رژیم جدید دولت توده‌ای و پرولتاریائی است که دارای شکل پارلمانی میباشد" .

هنگا میکه با این تزه‌ای الهام دهنده راه کارگر در قرون حاضر ، پارلمان به ارگان قدرت توده‌ای کارگران وزحمتکشان مبدل میگردد ، ضرورت درهم شکستن قهری دستگاههای نظامی وبوروکراتیک نیز منتفی وانکار میگردد ، روساخت سیاسی جامعه که ارتجاع سیاسی است از اقتصاد آن که سرمایه داری شکامل یافته است جدا میگردد ، بی دلیل نیست در حالیکه لنینیسم می آموزد "خرد کردن ماشین دولتی آن چیزی است که منافع کارگران و دهقانان را ایجاب میکند و آنها رابسا یکدیگر متحد میازد" . راه کارگر وظیفه درهم شکستن ماشین دولتی را مد سوسیالیستی میدانند و انتقال آنرا از دستی به دست دیگر مجاز قلمداد میکنند .

بی دلیل نیست که راه کارگر با وجود آنکه مدتها به کشف "حائل" مخفی شدن بورژوازی انحصاری وابسته در ایبران مگشت موعظه میکند "که امروز امپریالیسم میاید آماج اصلی حمله انقلاب باشد" و بدس روش سرمایه داری وابسته بعنوان پایگاه داخلی امپریالیسم را از زیر ضرب خارج کرده ومبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه برای دمکراسی مجزا میکنند .

راه کارگر در بر خورد با قدرت سیاسی آلترناتیو "رژیم خمینی" از همان نهادهای دفاع میکند که مجاهد و حزب دمکرات ، راه کارگر مستقلاً آلترناتیوی ندارد بلکه بسان کلیه رفرمیستها به مجیزگوشی از آلترناتیو لیبرالیها می پردازد . راه کارگر در لفافه "حکومت شورائی" از همان دمکراسی پارلمانتاریستی دفاع میکند که مجاهد و حزب دمکرات آنرا بعنوان یک اصل در برنامه مکتوب خویش تشبیه کرده اند . راه کارگر با تسبیح از بورژوازی در بر خورد با قدرت سیاسی مرزبندی اش را با جمهوری دمکراتیک کارگران وزحمتکشان تصریح نموده است .

همین حدکافی است تا اشتراک نظر و عمل سوسیال - رفرمیسم راه کارگر بسا



### قطب‌نمای . . .

لیبرالیسم بورژوازی مجاهدین و حزب دمکرات در اشاعه گرایشات بورژوازی روشن گردد.

همانگونه که این طیف لیبرال مسلک سرکردگی بورژوازی و دمکراسی بورژوازی را تقدیس میکنند، و خط اصلاحات اجتماعی را پیشه کرده‌اند، اما در مقابل خط انقلابی پرولتری، دربرگیرنده نمایندگان آگاه طبقه کارگر و دمکراتهای حقیقتاً انقلابی برای تأمین رهبری طبقه کارگر برانقلاب، انجام تغییرات انقلابی - دمکراتیک جهت داری برای انقلاب اجتماعی مبارزه میکنند و برای بدست گرفتن قدرت سیاسی از سوی توده‌ها دورنمای دمکراسی انقلابی و پیگیران پیش روی کارگران و زحمتکشان ایران میکشاید.

برنامه طبقه کارگر ایران که از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به جنبش عرضه گشته است قطب‌نمای این نوع از دمکراسی که شکلی از قدرت سیاسی شورائی است میباشد.

خواهند و در این هنگام است که آزادی و سربازی کامل نامین خواهد گشت.

ریزنوس :

(۱) اگرچه در طیف نیروهای خرده بورژوازی نظاً هر در نقطه مقابل راه کارگر بلوک اشتلائی کومه‌له - سپند قرار دارد اما فرمیسم آنان نیز در بر خورده با انقلاب و قدرت سیاسی آشکار و عیان است. ما در اسحا از برداختن بدان خودداری نمی ورزم. چرا که تاکنون طی مجموعه مقالاتی در ربیکای گدل تحت عنوان "سویالیسم دهقانی در پوشش مارکسیسم اسطیائی" و در مقاله "گروه بندی سیاسی : سویالیستهای خرده بورژوا و انقلاب" مندرج در کار شماره ۲۰۱ از سلسله مقالات ارزیابی اوضاع کنونی در افشای دمکراتیسم ناپیکر کومه‌له ضمن تحلیل نقش طبقاتی و جایگاه کومه‌له در تحولات اجتماعی ماهیت فرمیستی شعارها و برنامه این بلوک را برملا نموده ایم.

### مراسم بزرگداشت . . .

ساعت ۲ بعد از ظهر، ساکنین روستای آزادشده که از قبل نیز به این مراسم دعوت شده بودند دسته دسته در مقر سازمان حضور یافتند. بخش اول مراسم با بخش پیام کمیته کردستان و سرودهای انقلابی آغاز گردید، سپس توضیحاتی در مورد سیاهکل، آغاز جنبش نوین کمونیستی ایران و همچنین قیام شکوهمند خلق های ایران ارائه گردید و ضمن پذیرائی با میوه و شیرینی و شربت از شرکت کنندگان، مراسم ادامه یافت.

قسمت دوم برنامه در ساعت شش و پانزده دقیقه بعد از ظهر با برافروختن آتش در چند نقطه آغاز گردید. رفقای مستقر در هر نقطه ابتدا با شلیک ۱۹ و سپس ۲۲ گلوله و آنگاه با رگبارهای بی در پی در میان طنینان فجاری، یاد این دوروز بزرگ و تاریخی را پاس داشتند. اهالی در حمایت و پشتیبانی از مبارزات خلقهای ایران با شلیک هزاران گلوله به ابزار همبستگی با ما پرداختند. مراسم با اجرای سرودهای انقلابی فارسی و کردی در کنار شعله های آتش خاتمه یافت.

### ☆ اخبار جنبش توده‌ای

راه هدف آشنایی قرار دادند و دهها نقطه را بر سر اهالی ویران ساختند. یک مینی بوس حامل دانش آموزان هدف قرار گرفت که بجز ۲ نفر همه آنها جان خود را از دست دادند.

هنگامیکه اهالی برای جمع آوری اجساد به محل های بیمارارن شده مراجعه مینمودند هدف گلوله باران نوبخانه سه عراق قرار گرفتند و این بار نیز علاوه بر ویرانی چندین خانه، عده ای دیگر از اهالی قربانی گردیدند.

### اخباری از . . .

### ☆ میرجاوه

۶۵ / ۹ / ۲۱

جمعه صبح در حوالی میرجاوه در یک درگیری بین بلوچ های مسلح و گشت زاندارمری، ماشین گشت زیر گلوله سه افراد اربیبی میروود و از کار می افتد و سرشیمان آن کشته میشوند که یک نفر از آنها سربازو اهل سراوان بنام نصرتی می باشد.

پیام‌های

سازمانهای انقلابی بمناسبت آغاز هفدهمین سالروز

بنیانگذاری سازمان

پیام اتحادیه کمونیستهای آلمان

پیام جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

رفقای گرامی!

خوشبختیم که همبستگی بین المللی و تبریکات انقلابی خود را به مناسبت شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان تان ارسال داریم. ما افتخار میکنیم که در گرامرم این دوران حماس و تاریخی به سازمان شما و خلق ایران درود بفرستیم. امروز در آمریکای لاتین و خصوصا شیلی ما شکل گیری فرم جدیدی از توطئه امپریالیسم را که تجلی از آن را در دموکراسی های محدود آرژانتین و اروگوئه می بینیم تقبیح کرده و آشکارا اعلام میداریم که در مبارزه هرگونه سازش و اتحاد با دشمن و نیروهای بورژوازی اپوزیسیون وارد نمیکنیم. ما آشکارا گفته ایم که هر حکومت موقتی که در چارچوب روابط اقتصادی - اجتماعی، سنتی شکل گیرد، قادر نخواهد بود بحران اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی موجود را حل کند. تنها توده های سازماندهی شده و مسلح قادر خواهند بود جامعه ای که بر پایه عدالت اجتماعی و دموکراسی استوار باشد یعنی یک جامعه انقلابی برپا دارند که به خواستهای و آرمانهای نجای توده های شیلی پاسخگو باشد. مردمی که سالها است توسط دولت نظامی و دستگاه ارتش سرکوب شده اند.

رفقای گرامی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران! گرچه تا انقراض امپریالیسم راه طولانی در پیش داریم اما امروز شاهد هستیم چگونه امضای قرارداد ارسال اسلحه به ایران توسط آمریکا، دولت ریگان را تضعیف کرده است. محاکمه پورتوریگوئی ها، محاکمه کسانی که به پناهندگان سیاسی آمریکای مرکزی پناه داده اند، قوانین مهاجرت که خصوصا بر علیه پناهندگان سیاسی آمریکای لاتین عمل میکند، نمونه هایی از سیاست جدید ایالات متحده است. تبلیغات ضد کمونیستی روز به روز افزایش می یابد. از دید ایالات متحده صلح و عدالت مترادف است با کمونیسم. در شرایطی که آنها بیش از پیش از میلیتاریسم و دخالت آشکار و پنهان آمریکا در جهان سوم دفاع می کنند نیروهای مترقی و انقلابی دنیا خصوصا در آمریکای مرکزی و شیلی مصمم تر از همیشه بمبارزه خود ادامه میدهند.

طلوع سوسیالیسم نزدیک است و خلق ها پرچم کشورهای آزاد شده را برافراشته خواهند ساخت.

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

پیروزی حتمی است.

سرنگون باد رژیمهای سرکوبگر خمینی و پینوشه

سرنگون باد امپریالیسم

زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مردم ایران

جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

رفقا!

بخاطر شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیام همبستگی قلبی خویش را برای شما ارسال میداریم. ما بسیار خوشبختیم که سازمان شما با وجود تعقیب و سرکوب توسط رژیم خمینی همچنان بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده و در جهت سرنگونی آن حرکت می نماید.

رژیمی که حاکمین آن در تهران خلقهای ایران را استعمار و سرکوب میکند، هزاران تن انسان را در جنگ بر علیه عراق تهییج نموده. به کام مرگ می فرستد و هر اعتراض و مقاومتی را میخواهد با سرکوب و شکنجه جواب دهد. حق موجودیت نباید داشته باشد. تنها جواب مناسب در مقابل چنین رژیمی، جواب خلق است که از طریق قیام مسلحانه و یک اعتماد عمومی سیاسی حکام جمهوری اسلامی را سرنگون نماید.

در رابطه با مسائل بین المللی رژیم تهران در پیشبرد سیاستهای قدرتهای امپریالیستی سهم بوده و در طیف ضد انقلاب قرار دارد. از همین رو است که دترهای ایرانی از معاملات اسلحه با آمریکا (U.S.A) بحساب ضد انقلابیون در آمریکای مرکزی سرازیر شده تا انقلاب نیکارا گوشه راه شکست بکشاند و بهمین دلیل نیز میتوان گفت که باید خمینی و طرفدارانش از قدرت بیزیر کشیده شوند.

اینکه از چه طریقی قدرتهای امپریالیستی در حال حاضر با حکام ایران همکاری می نمایند و چگونه امپریالیسم آلمان در آن سهم می باشد، ما در اعلامیه آخرین خویش تشریح نموده ایم که برای اطلاع شما به پیوست این پیام می باشد. ما برنامه انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و سرمایه داری در ایران را تا بید می نشانیم. ما برای شما در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی همچنان شما مست پیگیری و استواری جهت تغییر شرایط پیچیده در کشورستان و همین طور برای سازمانتان در مسیر حرکت برای دگرگونی انقلابی در ایران آرزوی موفقیت می نشانیم.

مرگ بردیکتاورها و خون آشام ها

زنده باد همبستگی بین المللی

اتحادیه کمونیستهای آلمان

کوتینگن - ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷

پیام کمینه مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا

پیام دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده

رفقای عزیز!

بمناسبت شانزدهمین سال بنیانگذاری دلیرانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا آرزو دارد در کنفرانسهای متفرقی دنیا درود و همبستگی استوار خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و هوادارانش تقدیم دارد. تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سهمش در مبارزه شده‌های ایرانی در جهت بدست آوردن پیروزی غیرقابل اجتناب بر نیروهای امپریالیسم به رهبری آمریکا، احترام و حمایت همه مردم تحت ستم را در سراسر دنیا برمی انگیزد. خلقهای تحت ستمی که خود در جهت نابودی سلطه سیستم ارتجاعی، بی رحم و پوسیده امپریالیستی و راننده‌های ستمگرش، استعمار و استعماریت، صهیونیسم و استعمار را بر میارزند، ما سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در تشدید آموزش سیاسی و تشکیلاتی توده‌های ایرانی تشویق می‌نماییم، فقط از طریق یک بویست انقلابی است که توده‌ها سرخوش خود را کنترل نموده و به پتانسیل خود بعنوان خلق پی خواهند برد. حرب تمام خلقهای آفریقا تسلیم‌ناپذیرانه به حمایت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و توده‌های ایرانی در مبارزه‌شان بر علیه تمام دشمنان خلق ادامه خواهد داد.

مرگ بر امپریالیسم

مرگ بر صهیونیسم

مرگ بر استعمار مهاجر

مرگ بر استعمار نو

زنده باد توده‌های ایرانی

زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

با همبستگی انقلابی:

کمته مرکزی حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا

اول فوریه ۱۹۸۷

بمناسبت شانزدهمین سالگرد استقرار ساختار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اتحاد سوسیالیستهای سازمانده همبستگی خود را با مبارزات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برهبری آیت الله خمینی اعلام میدارد. از زمان تشکیل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعضاء آن مبارزه قهرمانانه‌ای را علیه نیروهای ارتجاعی در دوره سلطنت پهلوی و سپس دوره حکومت جمهوری اسلامی در تحت سخت‌ترین شرایط سرکوب و خفقات ادامه دادند. کارنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درست برخلاف خیانت‌های حزب توده و جریان اکثریت است. حرب توده به اصل اولیه سوسیالیسم و مواضع طبقه کارگر خیانت کرده است. این خیانت نشانه خود را در آماجگی کامل این جریان بسطی همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب سوسیالیستها و مبارزان طبقه کارگر نشان داده است. اکثریت نیز بی پرسویی خود را در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است. از طبقه کارگر خواست تا از این رژیم بدلیل "فدا امپریالیست" بودن آن حمایت کند.

اتحاد سوسیالیستهای سازمانده در بریتانیا همچنین از موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با جنگ ایران و عراق حمایت میکند. برای کارگران هر دو کشور دشمن در درون مرزهای خودشان است. اتحاد سوسیالیستهای سازمانده درخواست میکند حزب طبقه کارگر حمایت خود را از شبح شورای ملی مقاومت و جریان طرفدار سرمایه‌داری مجاهدین قطع کند. پیاده شدن سیاستهای شورای ملی مقاومت مجاهدین تنها موج سرکوب و خفقات طبقه کارگر در ایران را بدنبال خواهد داشت. در عوض جنبش کارگری سازمان یافته در بریتانیا باید گامهای اساسی در اعلام همبستگی با نیروهای چون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را بخشی از مبارزه برای سرنگونی سرمایه‌داری در ایران و سطح جهانی میدانند، اعلام دارد.

دفتر سیاسی اتحاد سوسیالیستهای سازمانده

۲۰ فوریه ۱۹۸۷

پیام سازمان راه انقلابی

رفقا!

همراه با درودهای انقلابی، خواهانیم که مراتب پشتیبانی خود را از مبارزات توده‌های زحمتکش ایران علیه رژیم فاشیستی - ارتجاعی به آگاهی تان برسانیم، و فراموش نکنیم که خلقهای ترکیه با احساسات همیشگی شان در کنار شما قرار دارند. جنگ ما بین ایران و عراق در خاور میانه، بدون اینک خلقهای دو کشور در آن ذینفع باشند، با شدت تمام تداوم دارد. وجود یک چنین وضعیت زیانباری در منطقه، امپریالیستها را در پیشبرد سیاستهای منفعت طلبانه شان یاری میرساند. همچنین رژیم‌های هر دو کشور با استفاده از طولانی شدن جنگ میتوانند بر مسائل ناشی از تضادهای طبقاتی کشور خود، سرپوش بگذارند.

رفقا!

ما انقلابیون هستیم که با سرکار آمدن خونخوار فاشیست در ۱۲ سپتامبر، قهرمانانه در زندانها مقاومت کردیم، و از اسدینه‌های انقلابی خود در دادگاه دفاع نموده‌ایم. ما سازمان راه انقلابی بزرگترین سازمان سیاسی ترکیه هستیم که هنوز هم محاکمه ۷۲۰ نفر از اعضاء آن ادامه دارد، از مبارزات رهایی بخش خلقهای ایران و عراق پشتیبانی میکنیم و همبستگی خودمان را اعلام میکنیم.

نابود باد امپریالیسم

کارگران و خلقهای تحت ستم متحد شوید

(سازمان راه انقلابی)



(رفیق سعید)

رودخانه پیویان



خون گوزن ،

جنگل پیویان دیگری است

بعد از صدای پیویان

بعد از حریق سوخته خون شعله ور

بعد از حریق طوفان

بعد از صدای جنگل

ایران دیگر

مانند رودخانه خونینی است

برصخره های سختی میراند

ازقله های رنج فرو میریزد

دردرهای دلتنگی میخوانند

ورخم تابناک شهیدان را

با کاکلی شکافته و خونریز

برسنگ و صخره کوبان

درخاک های گلگون

می گردانند

همپای رودخانه سوزان

بایند

مثل حریق طوفان

برفرق کوه ودشت برانم

رخم برادران شهیدم را

بایند

مثل ستاره های خون افشان

روی فنذت سوگوار بگردانم

باید بغرم ازجگر و

چون شیر

با بال های خونین

دربیشه های خشم بمانم

• • •

رگبار های آتش ، افروخت

واستخوان و خون

درخانه وخیابان

آتش گرفت

سوخت

قلب گوزن های جوان

- قلب انفجار -

درچشمه های خون و آتش

خفت

بادی هراسناک برآمد

قلب هزارچشمه خونین

درجنگل سیاهگل

آشفست

• • •

جنگل شکافت

و پانسزده ستاره خونین

بانهیره های سوزان، برخاست ازنهفت

وبرمدارهای گریزان چرخید

چرخید روی جنگل و

توفیید روی شهر

برفرق شب شکفت

باکاکلی شکافته

میرانند

برسنگ و صخره ورود

ونعیره های من

پیچیده روی قله خون آلود :

گلهای حزب سوخته دلشکستگان

مردان خشم و خوف !

خونشعله های پیکر درخون نشستگان

وحشت فرو نهید و فرار آئید

ازقله های قرممر شبگیر بنگرید

یا شاخ های خنجر

باچشم های خشم

روشیده بر کرانه خون

• جنگل گوزن •

# ۲۲ ریه ندان

و . . .

اما بدلیل تحولاتی که فوقاً بدان اشاره کردید، بایستی بر اهمیت و نقش سازماندهی کارگران و زحمتکشان شهری بطور جسدی تاکید شود و نقش اصلی آن مدنظر قرار گیرد.

اگر زمانی پتانسیل محدود نیروهای رهبری جنبش خلق کرد، خواست‌ها و مطالبات این جنبش را محدود و مقید می‌ساخت و با توهم برانگیزی نسبت به حکومت ارتجاعی مرکزی، رهائی خلق کرد را تحت نظام ارتجاعی حاکم بر آوردن می‌نمود، امروز کارگران و زحمتکشان کرد حق تعیین سرنوشت خود را جز در درهم شکستن نظم پوسیده و ارتجاعی حاکم و برقراری نظامی که قادر به انجام تحولات انقلابی در کلیه عرصه‌های اجتماعی باشد نمی‌بینند و از همین رو است که هر گونه تلاش از جانب هر نیروی که در جهت محدود ساختن خواست‌های انقلابی زحمتکشان خلق کرد و یا ایجاد موانع بر سر راه یک چنین تحول انقلابی، محکوم به شکست و نابودی است.

اگر زمانی مناسبات فئودالی - عشیرتی حاکم بر کردستان زمینه رشد و گسترش جنبش‌های ملی را فراهم می‌ساخت و نیروهای غیر پرولتری بر اساس این جنبش‌ها عهده‌دار انجام رسالت می‌گشتند، امروز در اثر تحولات اقتصادی - اجتماعی و همچنین تحولاتی که در مناسبات اجتماعی پدیدار گشته است، مناسبات عشیرتی و فئودالی در اساس از هم پاشیده گشته و مناسبات تولیدکنندگی برجای نمانده یافته است. هزاران رشته، حیات اقتصادی - اجتماعی کردستان را با کلیت اقتصاد ایران پیوند زده، آن را تقویت نموده و خلاصه آنکه ادغام اقتصادی در بازار واحد در سطح کشور صورت گرفته است. از همین رو تحکیم این پیوندهای پایه‌ای، جنبش‌های ملی و از جمله جنبش خلق کرد را در ارتباط و پیوند نزدیک با حرکت اجتماعی سراسری ایران قرار داده است. هرچند که به دلایل ملی و فرهنگی این جنبش‌ها می‌توانند در اشکال مبارزاتی متفاوتی نمودار گردند. قیام بهمن ۵۷ خلق‌های سراسر ایران به عین‌نشان دادگسه حرکت اجتماعی سراسری قادر است مسلسل

تحت ستم رادریعاد گسترده‌تری بسط میدان بکند و در روند ناشریات مقابل خود، موجبات درجه استحکام و تعمیق و تداوم آن را فراهم سازد.

شکست جمهوری خودمختار کردستان و تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد نشان داده است که در عصر حاضر تنها پرولتاریاست که از آزادی و برابری واقعی ملل پشتیبانی میکند و

قادر است در یک انقلاب پیرومند و بسا به جنگ آوردن قدرت سیاسی مسئله ملی را بطور قطعی حل کند.

حکومت ارتجاعی بورژوا - مذهبی جمهوری اسلامی که از بدو استقرار خود با هرگونه آزادی سیاسی و خواست دموکراتیک توده‌ها به شکل آشکاری به دشمنی و کینه‌ورزی پرداخته است، با حفظ و تحکیم مناسبات استثمارگرانه، استثمارگری و نابرابری ملی را نیز تشدید نموده و عموم کارگران و زحمتکشان و ملیت‌های تحت ستم را مورد قهر و سرکوب خود قرار داده است و سرنوشت خلق کرد را پیش از

بیش به سرنوشت عموم کارگران و زحمتکشان سراسر ایران گره زده است.

سرابین پایدالنفاء ستمگری و نابرابری ملی قبل از همه در گرو آن است که شالوده آن نظامی که موجود همه و هرگونه ستمگری (استثمار و بردگی) است درهم شکسته شود، در گرو سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک توده‌ای و فراروشتی سوسیالیسم است.

از این رو کمونیست‌ها وظیفه دارند در شرایط کنونی با درس آموزی از کلیه تجارب تاریخی و با شرکت فعال در امر مبارزه ملی و ویژه سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان، خلق کرد را به درک این مسئله رهنمون سازند که مبارزات آنان در پیوند با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان سراسر ایران به پیروزی میرسد و بایستی در جهت استحکام هر چه بیشتر این پیوند مبارزاتی کام برداشت.

<p>کارگران و زحمتکشان محمّد توفیق</p>	<p>پایه دهنده و دبیر هیئت مرکزی سرگردانی امیرالایسیران و پانزده داخشی</p>
<p>سازمان حرکت‌های فدایی خلق ایران سال هشتم - شماره ۲۰۸ دفعه ۱۸ ۱۳۶۵</p>	
<p>تاریخچه تاریخچه جنبش خلق کرد تاریخچه مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان تاریخچه پیوند ملی و مبارزات سراسری</p>	<p>جدائی دین از دولت جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی</p>
<p>یکای پیرامون قانون کار</p>	<p>برنامه نویین اقتصاد برنامه فقر و فلاکت توده‌ها</p>
<p>روزنامه‌های سیاسی روزنامه‌های فرهنگی روزنامه‌های اجتماعی</p>	<p>رویارویی دو فلبت جامعه فرانسه رویارویی دو فلبت جامعه فرانسه</p>



۲۰۸

منتشر شد

نطق درحان سوده اطراف شهرها و روستاها اقدام می نمایند که این کار نیز زبانهای مالی زیادی را بدستمال خواهد داشت.

## مهاباد

روز دوم بهمن ماه جاشهای مردور به روستای "گیردی آخور" یورش برده و به بازرسی منازل می پردازند. خودفروشان به پنهان یافتن مخفیگاه بیشترگان انواع تضییقات را علیه اهالی این روستا اعمال کردند و اقدام بسبب دستگیری چند نفر ارجوان نمودند و یکی از آنان را وحشیانه تیر باران نمودند و قحطانه اعلام کردند که او بیشترکد سوده است.

- مزدوران رژیم طی روزهای مسوالی، بهم، دهم، سیزدهم و چهاردهم به روستاهای "گول تپه"، "گانی سیف"، "نورون تا"، "باراو" و "قالوه یزدان" یورش برده و به اعمال ضد خلقی پرداختند. در روستای "قالوه" مزدوران ۲ تن اراهایی بی دفاع زان دستگیر می نمایند این اقدام مردوران خشم زنان زحمتکش را برمی انگیزد و زنان و دختران متحداً حاشیای مزدور را مورد تعرض قرار میدهند و درگیری شدیدی بین آنها در میگیرند. مزدوران علی رغم تلاش خود برای به عقب نشینی و اداشتن زحمتکشان ناگام می مانند و سرانجام پس از مجروح شدن یک پاسدار، مزدوران ناچار بسبب آزاد کردن دو تن دستگیر شدگان میشوند و روستا را ترک میکنند.

در روستای "باراو" نیز ۶ تن از اهالی بی دفاع توسط مزدوران دستگیر میشوند که از سرروشت آنان اطلاعی در دست نیست.

## سردشت

جاشها و پاسداران مستقر در پایگاه "ندلوس" در منطقه سردشت بمنظور اعمال فشار و تضییقات و غارت اموال



## سرکوب و وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و زبونی رژیم  
در مقابل

جنبش انقلابی خلق کرد است!

## بوکان

در حالیکه کمیبود شدید نفت و سرمایه شرایط رقت باری را به کارگران و زحمتکشان تحمیل نموده است و مردم برای گذران زمستان به هیرمز جنوب توسل جسته اند مزدوران غارتگر رژیم همچنان به سوجدوئی و چپاول مشغول اند و مزدوران با قطع درختان خیابانهای شهر بوکان آنها را به قیمت گزاف به مردم میفروشند. اهالی ندتها برای تهیه چوب مورد نیاز مناسب کوبیس تهیه نمایند و مدتها در صفهای طولانی بایستند بلکه میلی تیر میبایسد چوب مزدوران سرازیر کنند. این وضعیت محض بوکان نیست، بلکه در اکثر شهرهای کردستان مردم با کمبود سوخت مواجهند و به ناچار خود سد

## بانه

رژیم بحران زده جمهوری اسلامی که برای اخاذی از کارگران و زحمتکشان به انواع شیوه ها توسل میجوید، اخیراً اهالی روستاهای منطقه بانه را تحت فشار قرار داده است تا هر خانواده در ماه مبلغ یک هزار ریال وجه نقد جهت تامین مخارج جیبهای جنگ به مزدوران بپردازند.

مزدوران توسط آخوند سرسبزده روستای "مدبار" به اخاذی از اهالی این روستا پرداخته اما در اکثر روستاهای منطقه بانه این درخواست رژیم با مقابله زحمتکشان پاسخ خود را گرفته است. زحمتکشان کردستان که بویژه در مضیقه مالی شدید قرار دارند هرگز تن به این خواست مزدوران نخواهند داد.

کردستان کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رزمت

## اخبار جنبش توده‌ای

مردم در روزهای سوم و چهارم بهمن به روستای "بهرده سور" در منطقه سویستانی سردشت هجوم بردند. جاشها بعد از غارت اموال زحمتگشان بر سر تقسیم آن به زدو خورد بایکدیگر پرداختند و ۲ تن از آنان به هلاکت رسیدند.

## ربط

روز ۲۵ دیماه جاشهای مزدور، اهالی روستای "نهزه" در منطقه "گهورک" که مراسم جشن عروسی برگزار نموده بودند را تحت فشار قرار دادند و بهانه حضور پیشمرگان در مراسم در صدد برهم زدن مراسم سور و شادی زحمتگشان برآمدند. مزدوران به بهانه شناسائی پیشمرگان به خانه گردی پرداختند و مردم را مورد توهین و اهانت قرار دادند. این عمل مزدوران مورد تنفر اهالی قرار گرفت و زنان و دختران با تعرض دو جاش مزدور را خلع سلاح نمودند.

## سندج

روز ۱۵ بهمن ماه مزدوران مستقر در روستای "دوشان" یکی از زحمتگشان این روستا را هدف قرار داده و به شهادت میرسانند. فرد مزبور از بزرگترین شیخ شدگان بوده و هنگامیکه برای نگهبانی به مقر مزدوران رفته بود همان شب بایکسی از مزدوران درگیری پیدا کرده و پس از اتمام نگهبانی در حالی که به سوی خانه اش میرفت در ساعت ۴ با ماداد هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. مردم روستا به محض اطلاع از ایس جنایت تجمع نموده و دست به اعتراض میزنند. اهالی در شعارهاشان خواستار تخلیه روستا از وجود مزدوران و مجازات عاملین این قتل میگردند. مزدوران برای مقابله با اعتراض اهالی بسسه تیراندازی هوائی توسل می جویند. روز بعد در مراسم تشییع جنازه، رژیم یکی از گروههای ضربت خود را در اطراف روستا مستقر میکند.

## اعتراضات توده‌ای علیه سر بازگیری اجباری

### سردشت

در حالیکه سران جنایتکار جمهوری اسلامی هر روز به برادامه جنگ ارتجاعی پای می فشارند، مزدوران همچنان در هر شهر و روستا به سر بازگیری اجباری مشغولند. مزدوران در منطقه سردسار شایعه اینکه "هرکس خود را برای سر بازی معرفی نماید به جبهه‌ها مسرود و در منطقه باقی میماند" موفق گردیده‌اند بدین شیوه تعدادی از جوانان روستای "سوزی" را بدام اندازد.

## چند خبر از: شهرهای کردستان

### سندج

بعد از بمباران سندج در اوایل دیماه چهره شهرتاما متشنج شده است و بازار، ادارات، مدارس، و مغازه‌ها تعطیل اند. تعداد زیادی از ساکنین شهر برای نجات جان خود از خطر بمباران احتمالی از شهر خارج شده و در اطراف آن شرایط مشقت باری را تقبل نموده‌اند و برخی تنها شب به خانه‌هاشان باز میگردند بجز تعدادی مغازه‌گوش و زنان فروشی طی روزهای متوالی تقریباً همچنان تعطیلی بر شهر حاکم است. آوارگان شهر در اثر ناراحتی‌ها تحت فشار شدید قرار دارند و مدارا بر تعداد آنان افزوده میگردد. رژیم قادر به تامین حداقل نیازهای آنها نیست و در حالیکه شیعه‌های مارل در اثر بمباران شکسته شده‌اند رژیم حتی در مقابل درخواست اهالی برای نسیه به آنها پیشنهاد نموده است اما بسز

## بانه

مزدوران که تاکنون بسوی منطقه بانه در اجرای کامل سیاست سر بازگیری اجباری ناموفق بوده‌اند اهالی روستاهای بخش "خیله زه‌ن" را تحت فشار قرار داده و با تعیین مهلت دو هفته‌ای از مسئولین خواسته‌اند تا خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی نمایند. آنها تهدید نموده‌اند بدینال پیمان رسیدن مهلت تعیین شده اقدام بسوی دستگیری اجباری جوانان خواهند کرد. مزدوران سرکوبگر از شوراهای اسلامی خواسته‌اند تا در جهت معرفی مسئولین همکاریهای خود را با رژیم گسترش دهند و لیست مسئولین را در اختیار مزدوران قرار دهند.

استفاده نمایند.

آوارگان کرمانشاه کذب سندج بانه برده بودند وضعیت بمباران و خیم‌تری دارند و وسعت کمبودهای شدید تعدادی از آنان به ناچار مجبور میشوند به کامیاران بروند. در حالیکه خشم و نفرت از جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی در چهره‌ها موج میزند و تاکنون تیر اعتراضات متعددی انجام گرفته است مزدوران رژیم از یکسوی برای مقابله با رشد اعتراضات توده‌ای و از سوی دیگر برای عادی جلوه دادن وضعیت به تلاش و تکاپو افتاده‌اند. از سوی دیگر مقابل مراکز دولتی و ادارات به سنگساری با کیه‌های تن مشغول اند و از سوی دیگر استادان مزدور سندج از طریق رادیو و تلویزیون وعده بهبود اوضاع و رفع بارشائی‌ها را به مردم دادند. رئیس شهر بانی به پرسنل این اداره کوشود نموده تا از رویارویی با مردم بپرهیزند و دیگر مزدوران سعی میکنند با ابزار همدردی با مردم خشم آنان را فرو نشانند. مزدوران با رهم تلاش میکنند تا شهر تعطیل را به رونق بیاورند و تدوکارمندان معلمین و سایر مردم را به سرکارهایشان باز گردانند. در همین رابطه روز هفتم بهمن ماه مدیر کل آموزش و پرورش سندج طی برگزاری جلسه‌ای با روسای

## چند خبر کوتاه از: جنگ ارتجاعی ایران و عراق

باز هم این عمل خشم و ابرجاریش مردم را برانگیخت.

### سستز

روز ۲۹ دیماه جدیدی نقطه سبز سبز زیر آتش بمبارانهای عراقی قرار گرفت و با انهدام دهها واحد مسکونی تعدادی دیگر از اهالی شهر برای حکم طلبی رژیم گردیدند. پس از سماران، مزدوران بحالت آماده باس درآمده و به مراکز نظامی خود خریدند. اهالی شهر از سواط مختلف برای کمک رسانی به مجروحین و مصدومین بمباران در محلات ویران شده حضور یافتند و با مشاهده کشته‌های نجیب باختم و نفرت علیه جنگ و رژیم سماران دادند. پس از این بمباران شهر حال به تعطیل درآمد. مزدوران ارتش در اعتراضات توده‌ای سماران شهر را به محاصره درآوردند و با تساو رسیدند از تعطیلی ادارات دولتی جلوگیری کردند. مردم که خطر بمبارانهای مجدد آنان را پیش می‌بینیدند از خانه و کاشانه گسسته و به روستاهای اطراف و شهر سوکان رست و تعداد زیادی از زخمی‌ها را به دلیل کمبود امکانات برای ترک شهر به ناچار صبح رودار شهر خارج شده و با تحمل سرمای شدید کوهستان به اطراف پیاده می‌رفتند و مجدداً به شهر باز می‌گرددند. در کنار این مصیبت‌های حاصل از جنگ، کمبود ارزاق و مواد سوختی شدیداً کارگران و رحمتکشان را تحت فشار قرار داده و خشم و نفرت آنان را برانگیخته است.

## اخبار جنبش توده‌ای

مدارس از فرهنگیان خواست تا بهر تمهید دانش‌آموزان را برای رفتن به کلاسها به مدارس بکشانند. وضعیت نابسامان سنج، جنگ، کشتار و آوارگی مهمترین عوامل رشد اعتراضات توده‌ای در ماههای اخیر بود. روز ۲۸ دیماه پس از بمباران شهر اهالی محله "پیرمحمد" دست به اعتراض زده و با درگیری ۳ تن از پاسداران مستقر در شهر بانی را به هلاکت رسانیدند.

اهالی زخمی‌ها در محلات بمباران شده اجازه "دخالت" به ماوران دولتی نمیدهند و هنگامیکه رژیم برای عوام تریبی و ساکت نمودن مردم قصد توزیع نفت را داشت با اعتراض یکپارچه مردم روبرو گردید.

در یکی از مراسم که هزاران تن از مردم شهر و آوران کرمانشاه در آن شرکت داشتند، اهالی مصیبت زده نسبت به جنگ و رژیم اعتراض نمودند و یکی از زنان داغدار و مبارز کرمانشاه آشکارا مردم را به اعتراض علیه جنگ ارتجاعی فراخواند.

در این محل اهالی با سربازانی که در اطراف جمع حضور داشتند صحبت کرده و آنان را تشویق میکنند تا از شرکت در جنگ ارتجاعی خودداری کنند. روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه که مردم سنج برای گرامی داشت پیساد

عزیزان از دست رفته‌شان در بمباران ها به گورستان بهشت محمدی رفته بودند و خشم و نفرت خود را به اشکال مختلف ابراز میداشتند. مزدوران رژیم در صدد برآمدند تا با فیلم برداری از جمع آنان و کلیپ‌ها جمعیت توسط هلی کوپتر، از آن استفاده تبلیغی ببرند، که مخالفت و اعتراض اهالی روبرو گردیدند. همچنین مزدوران رژیم قصد داشتند تعدادی از اجساد قربانیان بمبارانهای اخیر را با سولسدوزر در گودالهای بزرگی دفن نمایند که مردم مبارز و خشمگین با اعتراض دسته جمعی از این اقدام جنایتکارانه مزدوران ممانعت بعمل آوردند. مزدوران ارتش و حش اوچ گیری اعتراض اهالی در اطراف گورستان بهشت محمدی مستقر شدند که

تا اوچ گیری بمباران شهرها در ماههای اخیر شهرهای کرمانشاه، سنج، شاه آباد، نروه، سقز، مریوان، سلماس، بانه، ارومیه و روستاهای اطراف شهر میباد مورد بمباران قرار گرفتند و عده زیادی از اهالی قربانی جنگ شدند.

### میاندوآب

در سماران میاندوآب که در روز ۱۱ بهمن ماه انجام گرفت کارخانه بزرگ سداین شهر بحمل خسارات سنگینی در سوار کار افتاد. همچنین یکی از پایگاههای مزدوران و یکی از مدارس حوالی کارخانه در این بمباران صدمه دیدند.

### ارومیه

روز ۱۱ بهمن ماه خیابان خیام یکی از پررفت و آمدترین خیابانهای این شهر هدف بمبارانهای عراقی قرار گرفت که تلفات و خسارات سنگینی بسار آورد.

### میباد

روز ۱۲ بهمن ماه ساعت ۱۰ صبح روستاهای "تره" و "قه شوق" و حوالی این روستاها در منطقه "مارویران" هدف بمباران قرار گرفت که دهها واحد مسکونی منهدم و خسارات جانی و مالی فراوانی بسار آمد.

### بانه

روز ۱۸ بهمن ماه پانزده فروند هواپیماهای بمباران عراقی شهر بانه در صبح ۱۴

### کرمانشاه

بدنبال بمبارانهای مکرر کرمانشاه و قربانی شدن صدها تن از مردم این شهر، زخمی‌ها کرمانشاهی دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند. تظاهرات کنندگان با دادن شعارهایی علیه جنگ ارتجاعی نفوس عمیق خود را نسبت به رژیم پدسائی گذاشتند. مزدوران از سواچ باسی تظاهرات توده‌های خشمگین بانبرانداری به سوی آنان به مقابله با تظاهرات کنندگان پرداخته‌اند.



★ زاهدان

آبان ماه ۶۵ :

موج فرار سربازها از جبهه ها و مناطق جنگی ادامه دارد. در اواخر آبان ۶۵، دهها نفر از مسئولین شهر زاهدان که پس از گذراندن دوره آموزشی چند ماهه ، محل خدمتشان در مناطق کردستان و جبهه های جنگ تعیین شده است از خدمت گریخته اند و موج فرار روندی صعودی را طی میکند .

— آذرماه ۶۵ :

در تاریخ پنجم آذر ۵ نفر از زندانیان شهر زاهدان اعدام شده اند . خون آنها قبل از اعدام گرفته شده و پول تیر از خانواده آنها جهت دادن اجساد اخذ گردیده است . این افراد متهم به همکاری با بلوچ های مسلح شده اند .

— آذرماه ۶۵ :

روز پنجشنبه ۶۵/۹/۱۳ از دانشجویانی که به جبهه جنگ شرفته بودند ، بعنوان کمک به جبهه خون گرفتند .

— رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی طی بخشنامه ای به دبیرستانهای زاهدان که از طرف آموزش و پرورش وستاد پشتیبانی جنگ و سرکوب و انجمن های اسلامی صادر شده ، گفته که از هر مدرسه ماهیانه باید ۲۰ دانش آموز به جبهه ها فرستاده شود . این اقدام ارتجاعی عکس العمل وسیع دانش آموزان را برانگیخته است و زمزمه های عدم رفتن به مدرسه و رها کردن درس از طرف دانش آموزان زیاد شنیده شده است .

— آذرماه ۶۵ :

عده ای از ساکنین محله فقیر و محروم باباشیان اخیراً دست به یک اقدام انقلابی زده و برای خانه های کلی و خشتی خود برق به شکل غیرمجاز کشیده اند . پس از چندی مزدوران رژیم جهت قطع برق به این محل میروند ولی با عکس العمل شدید مردم روبرو شده و ناچار عقب نشینی می نمایند .

آری مقاومت و اعتراض و پایداری بوده ها و اتحادشان همیشه ترین موفقیت و پیروزی است .

★ ایرانشهر

آذرماه ۶۵ :

مدتی است که بعثت کمیسود آرد بخت ناوای ها در سطح نهریانشن آمده و در نتیجه نمیتوانند جوایگوی نیارهای مردم باشند و این امر باعث گردیده که صف های طولی در جلوی ناوای ها تشکیل گردیده مدت چند ساعت مردم در انتظار نان وقت خود را در نمایند تا شاید از بدست آوردن نان بهره مند شوند ، این کمبودها مورد اعتراض مردم قرار گرفته و کارخانه نان ماشین بی علت عدم استاندارد و بخت خوب نان و نیز با شین بودن بخت نتوانسته نیاز مردم را تامین نماید .

— آذرماه ۶۵ :

کمبود نفت صورت مشکلی اساسی در منطقه مطرح شده و حتی در مناطقی روستائی شرکت های تعاونی روستائی قادر به تهیه نفت مورد نیاز زحمکشان روستائی نمی باشد . در ایرانشهر صف های طولی در مراکز توزیع نفت ایجاد گردیده است . برای گرفتن چند لیتر نفت یک یا چند شبانه روز باید در صف های نفت خوابید . این اوج مضاح و درمادگی رژیم را در حل مشکلات عمده اجتماعی نشان میدهد .

★ سراوان

آبان ماه ۶۵ :

کمبود مواد سوختی از جمله گاز و نفت مشکل بزرگی برای توده های رجمتکش ایجاد نموده است . بعد از مدتی که کبوسول گاز به شهر آورده میشود صف های طولی تشکیل میگردد اما مردوران رژیم بدون توجه به صف های طولانی مباردت به بردن کبوسول های گاز می نمایند که این مسئله مورد اعتراض توده ها قرار میگردد . مزدوران رژیم بدون توجه به اعتراض مردم خارج از نوبت کبوسول گاز میگیرند و مردم رجمتکش در چندین مرحله از گرفتن کبوسول گاز محروم میشوند و همچنین مردم چندس روز در صف های طولی نفت استاده و حتی بعضی ها به علت ناراحتی کوبن های مربوط به نفت را پاره نموده اند .

— کلگان - آبان ماه ۶۵ :

در اواخر آبان ماه در انتهای درگیری مسلحانه بین بلوچ های مسلح

و رژیم جمهوری اسلامی در منطقه مرزی کله دین ۶ نفر از کمیته جبهه های مزدور به هلاکت میرسند و رژیم از ترس انعکاس این خبر در میان توده ها و جلوگیری از تضعیف نیروهایش بطور مخفیانه اجساد آنها را به زاهدان منتقل می نماید و هیچگونه خبری را در نشریات وارگاشهای خود درج نمی نماید .

— اواسط آذرماه :

پایگاه کله دین در سراوان توسط یک گروه مسلح بلوچ مورد حمله قرار میگردد که منجر به تخریب ساختمان و زخمی شدن چند نفر شده است . در این رابطه فرمانده کل ژاندارمری سرهنگ سهرابی به منطقه آمده و از پایگاه مذکور دیدن میکند .

— پایگاه جاده ناهوک آذرماه ۶۵ :

یکی از سربازان فارسی شب هنگام در پشت نگهبانی بوسیله اسلحه ژ-۳ با شلیک نمودن تیر خودکشی نموده است که بلافاصله ماموران پایگاه نزد وی میروند ولی او درجا کشته میشود . خبر خودکشی این سرباز در میان سربازان بطور وسیعی بخش گردیده و همه با ناراحتی از این واقعه یاد میکنند . خبر فوق در سطح وسیعی در میان توده ها نیز بخش گردیده و علت خودکشی این سرباز را ماضی و مشکلات جنگ ارتجاعی و فلاکتهای باز آورده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی عنوان میکنند .

★ خاش

آبان ماه ۶۵ :

پادگان تیپ ۲ خاش وابسته به لشکر زرهی ۸۸ زاهدان بعثت نیاز شدید رژیم از یک طرف و پیروان مراکز آموزشی سربازان از طرف دیگر ، مشغول آموزش سربازان که اکثر اوبومی میباشد و در جهت آماده نمودن آنها و اعزام به کشتبار - گاهای جنگ می باشد و قرار است ۱۲۰۰ نفر از سربازان آموزش دیده را در اواخر آبان ۶۵ به جبهه سومار اعزام نمایند و سربازان با مطلع شدن از اعزامشان به جبهه های جنگ ارتجاعی با گرفتن مرخصی و فرار از پادگان خارج شده و با عدم رفتن به جبهه ها تنفر خود را از جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی نشان میدهند .

آفریقای جنوبی

روز شنبه یازدهم بهمن ماه در شهرکی در حوالی "دوربان" هزاران تن مردم ستمدیده و استعمار شده آفریقای جنوبی مراسم تشییع جنازه قربانیان دم کشیهای اخیر را به تظاهراتی بسزری علیه رژیم تبدیل ساختند، که در چند ماه اخیر کم سابقه بوده است.

در ۲۱ ژانویه سال جاری ۱۲ تن از فرادیک خانواده که برخی از آنان جزو عالین ضد رژیم بودند توسط تعدادی مزدور سیا هیوست وابسته به قبیله "زولو" کشته میشوند، در میان کشته شدگان هفت کودک نیز وجود داشت.

از آنجا که رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی با ضرب و شتم و کشتارهای گسترده خیابانی نتوانسته است مبارزات نقضی توده ها را سرکوب نماید، تصمیم گرفته است رهبران و فعالین سیاسی مبارزات توده ای را بطرق مختلف نابود سازد. رژیم این سیاست خود را از طریق قبیله "زولو" که رئیس آن کامسلا در خدمت اهداف جنایت کارانه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و امپریالیسم آمریکا قرار دارد، انجام میدهد.

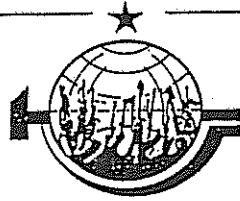
روز یکشنبه دوازدهم بهمن ماه در "سووتو" تعدادی سیا هیوست در جریان حمله ای به منزلشان بضرط گلوله مجروح گشتند. در یک حمله تروریستی دیگر یک سیا هیوست که از فعالین سیاسی ضد نژاد پرستی است در شهرکی در حوالی "دوربان" برای زمین با رطی هفته دوم بهمن ماه مورد سوء قصد قرار میگیرد، که این بار نیز جان سالم بدر می برد.

پرتقال

توده های مردم پرتقال در اعتراض به گران شدن قیمت مایحتاج عمومی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات بخشی از اعتراضات عمومی و سراسری یک روزه ای بود که توده های مردم پرتقال برای حقوق مدنی و علیه سیاستهای ارتجاعی اقتصادی و اجتماعی دولت برپا داشتند. دولت پرتقال برای تضمین سودهای

اخبار مبارزات کارگری

و جنبش های رهایی بخش



کندن سرمایه داران و سرشکن کردن عواقب فلاکت بار بحران اقتصادی بر گزیده کارگران و زحمتکشان سیاست اخراجی های دسته جمعی و گران کردن مایحتاج عمومی را به پیش میبرد. در سیاست های خارجی نیز دولت پرتقال با فروتنی اسلحه به جمهوری اسلامی و ارسال مدهاتن جنگ افزار به ضد انقلابیون نیکاراکوئسه و حمایت از ضد انقلابیون موزامبیک در کنار امپریالیسم آمریکا و اسرائیل به اقدامات جنایتکارانه علیه خلق ها و انقلاب جهانی ادامه میدهد.

کره جنوبی

۲۵ هزار تن از مردم جمهوری کره جنوبی روز شنبه ۱۸ بهمن ماه در "سئول" در گرامباداشت دانشجویی که برایش شکنجه های پلیس گشته شده بودند دست به تظاهرات بسیار وسیعی زدند. دولت فاشیستی "چون دوهوان" برای جلوگیری از برگزاری این تظاهرات ۲۵ هزار پلیس ضدشورش را به حال آماده باش در آورده بود اما با این وجود تظاهرات برگزار شد و تظاهرات کنندگان خواستار سرنگونی رژیم و برچیده شدن پایگاه های نظامی آمریکا شدند. این تظاهرات مورد یورش پلیس قرار گرفت اما توده های تظاهرات کننده با پرتساب کوکتل مولوتف و هراتی که در دست بود به مقابله انقلابی با پلیس پرداختند و حداقل ۱۴ پلیس را خدیدا مجروح کرده که حال ۲ تن از آنان وخیم است. به علاوه حدود ۶۰۰ تن از دانشجویان و فعالین سیاسی نیز دستگیر و روانه زندانها شدند. دستگیری، شکنجه، زندان، اعدام، اعمال شدیدترین سرکوب و اختناق و اتکا

یونان

در یونان بیش از یک میلیون تن از کارگران مراکز تولیدی و خدماتی دست به اعتصاب سراسری زده اند. چند صد هزار کارگر روز پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه، در خیابانها دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. اعتصابات و تظاهرات کارگری علیه سیاستهای اقتصادی دولت یونان می باشد. دولت جهت افزایش سود سرمایه داران دستمزدها را ثابت کرده است. بر قیمت مایحتاج زندگی کارگران و زحمتکشان شدیداً افزوده است و همراه با افزایش مالیاتها از بودجه های آموزش، رفاه اجتماعی و بیمه بیکاری کاسته است. دولت با چنین اقداماتی تلاش دارد عواقب فلاکت بار بحران اقتصادی موجود را که سیستم سرمایه داری حاکم بر یونان عامل آن میباشد به گردن کارگران و زحمتکشان بیاندازد.

## جنگ شهرها و تاثیرات آن در ذهنیت توده‌های مردم کردستان

ادامه جنگ ارتجاعی، مبارزان، توپ باران شهرهای ایران و عراق و عواقب وخامت بار ناشی از آن ابعاد غیر قابل باوری بیخود گرفته است. شهرهای دو کشور تقریباً هر روزه توسط ارتش‌های ایران و عراق کوبیده میشوند دولت‌های ارتجاعی ایران و عراق در انتقام کشتی از یکدیگر و برای احراز پیروزی و برتری در این جنگ ارتجاعی، کشتار کارگران و زحمتکشان دو کشور را آماج اصلی خود قرار داده و به رقابت خونینی برخاسته‌اند. کشتار و خانه‌خوابی در سایه شوم حکومت سرمایه‌داران و تلاشگران پان‌اسلامیستی مرتجعین حاکم بر ایران، کماکان باز تولید میشود. ادامه جنگ همچنان ابزاری است در معرض به توده‌ها از جانب رژیم.

حملات هوایی و توپ باران شهرها و روستاهای کردستان، کرمانشاه، سنندج، سقز، بانه، دیواندره، قروه... هزاران کشته و مجروح برجای گذاشته است. تبعات با فشاری بر ادامه جنگ علاوه بر آنکه هزاران خانواده کرد را به سوگ نشانده است، ده‌ها هزار خانواده دیگر را آواره و سرگردان نموده است. بسیاری از زحمتکشان کرمانشاه به سنندج رفته‌اند، بسیاری از اهالی سنندج روزها شهر را ترک میکنند و شب‌ها به خانه‌های ویران و غیر امن خود باز میگردند، انبوه آوارگان کرمانشاهی، سقزی، سنندجی، و غیره با هزاران مشکل مواجه گشته‌اند و از بیم جان خود به کوهها و روستاهای اطراف شهرها پناه برده‌اند. مسکن، نان، نفت و دیگر اوزان و مایحتاج عمومی که پیش از این برای عموم توده‌های مردم زحمتکش کردستان به مشکلی جدی تبدیل گشته بود، هم‌اکنون ابعاد فاجعه‌بارتر و گسترده‌تری بخود گرفته است.

اماسران رژیم در میان این همه کشتار و ویرانی، در میان این همه فقر و تنهایی بازم به دروغ بافی مشغول‌اند و بازم مکتب خود را در تکبیت و ادب‌ساز توده‌ها میجویند. استاندار مرتجع کردستان از مردم میخواهد که در مورد نبود اوزان عمومی به "تابیات" گوش

ندهند و به آنان میگوید که "سیاری نیست که (خوار بار و اوزان عمومی) طبعی خانه‌شان ذخیره کنند" چرا که "طبق روال سابق توزیع خواهیم کرد". او همچنین بی هیچگونه احساس ناخردستی از نتایج حملات هوایی، هم‌زمان با ارگانهای دولتی و همراه با تفرقه‌پسندی‌های همیشگی، این همه قتل و جنایت و کشتار را به "امام" اش تبریک میگوید و مردم را به "بردباری"، صبر و تحمل دعوت میکند. همه مردم کردستان حتی پیش از آنکه ابعاد ویرانگر جنگ ارتجاعی و بالآخر کشتار و خرابی ناشی از جنگ شهرها در کردستان به این درجه از حدب خود برسد، شاهد چگونگی توزیع اوزان و مایحتاج عمومی بوده‌اند و در واقع با کمبود اصلی ترین کالاهای مورد نیازشان مواجه بوده‌اند و چون مدتهاست که جانچه رژیم قادر باشد حتی مطابق همسان روال سابق در این زمینه عمل کند، معنی آن چه خواهد بود! برای مردم زحمتکشی که جنگ سرمایه‌داران هر روز قربانیان جدیدی از آنها میکشد، برای مردمی که طی هفت سال مبارزه در ویرانی رژیم ستمگر جمهوری اسلامی ما هفت ارتجاعی او را شناخته‌اند، اسلحه دروغگوئی‌ها و وشادی‌های امثال آقای استاندار کردستان دیگر رنگی ندارد. دیگر دوره شمربختی این گونه ترسدها و عوامفریبی‌ها مدتهاست بسرآمده است. آنهم زمانی که کارگران و زحمتکشان شهرهای کردستان با حرکات اعتراضی و دسته‌جمعی خود علیه جنگ و علیه رژیم، مزدوران را به عقب نشینی واداشته‌اند، تا آنجا که همین استاندار مزدور از ترس خیزش‌های اعتراض آمیز توده‌های آنانرا از تجمع در محل حادثه (محل بمبارانها) منع میکند.

زحمتکشان خلق کرد ما پس از بمبارانها در جریان مبارزی و با ایجاد کمیته‌های کمک‌رسانی به یکدیگر، مستقلاً وارد عمل شدند، اجساد قربانیان و بیساز زخمی‌ها را از زیر آوار بیرون آوردند و آنها را به گورستان و یا بیمارستان‌ها منتقل نموده و به سرکوبگران اجناساز

دخالت در امور جاری را اندادند، آنان با ارار ختم و شتر مینق نسبت به مردم دوران رژیم متحداً تظاهرات برپا داشتند و سرکوبگران رژیم را عقب نشانده تا آنجا که وضعیت ناشی از بمبارانها و توپ بارانها در این مناطق، روحیه بااد و بیش از پیش تعرضی توده‌ها، پدید آمد. شیوه‌های قبلی سیاستهای رژیم را موقتاً دچار اختلال نمود، فرو نشاندن آتش خشم کارگران و زحمتکشان و آرام نمودن آنان هراس از شکل‌گیری و فعال شدن ارگانهای خودجوش توده‌ای و شکل‌یابی حرکات اعتراضی گسترده، سیاست‌های ارتجاعی تسلیم و سر بازگویی اجباری رژیم را تحت الشعاع قرار داد. تعرض توده‌ها مزدوران رژیم را از تعرض بازداشت و حتی آنها را به موضع دفاعی انداخت.

اما رژیم در خنثی سازی این جو و برای پیشبرد سیاستهای متداول خود بهانه ساخت و با تدارک قبلی به استقبال نمایش "دهه فجر" شتافت. ارگان‌های رسمی دولتی و شرکتهای اسلامی به جنب و جوش افتادند، دستگا‌های تبلیغاتی با صدور اطلاعیه‌های مشترک، از مردم خواستند تا در مراسم نمایشی ۲۲ بهمن شرکت کنند. استاندار کردستان در مورد اعرام "نیروهای رزمی" کرد به جنبه‌ها با رهم به رباکاری و دروغ پردازی دست زد و دستگا‌های تبلیغی دشمن شرکت کنندگان سسخی را در اس مراسم صد و پنجاه هزار تن خواندند و جملگی خواستند رژیم را در این مسقطد پیروزمند نشان دهند و او را نمود سازنده بر کردستان مسلط‌اند.

اما واقعیتی که گذشت، انزوای بیش از پیش رژیم را در کردستان و در عین حال بیم و هراس او را از کارگران و زحمتکشان خلق کرده‌نمایش گذاشت. سران رژیم در جریان تدارک این نمایش از ترس شکل‌گیری حرکات اعتراضی توده‌ای برای کنترل نقاط مختلف شهر سنندج برنامه ریزی کرده و به مزدوران دستور داده بودند که تجمع‌های چند نفره (بیش از ۵ نفر) را متفرق سازند، سرانجام شرکت چند هزار نفر که عموماً مزدوران مسلح رژیم بودند، روشن ساخت که "دهه فجر" نیز نتوانست است اهداف ارتجاعی رژیم را برآورده نماید. مراسم نمایشی به

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم



دولت با مصلحت سوسالیست یونان که بنا وعده مزورانه خارج ساختن کثسور از بیمن نظامی ناتو به قدرت رسیده است نه تنها یونان را از بیمن امپریالیستی یاد شده خارج نساخته است بلکه سر بودجه های نظامی شدیداً افزوده است . چندی پیش دولت یونان یک میلیارد دلار دیگر جنگ افزا رهاوشی از امپریالیسم آمریکا خریداری کرد .

## لبنان

همزمان با ادامه محاصره اردوگاه های آوارگان فلسطینی در لبنان از سوی شیعیان امل و تحمیل قحطی و مرگ ناشی از گرسنگی هواپیماها و قایقها توپدار اسرائیلی در چند روز گذشته چندین بار مواضع چریکهای فلسطینی در نزدیکی شهر صیدارا بمباران و تسویب باران کردند این حملات وحشیانه منجر به کشته وزخمی شدن تعدادی از ساکنین اردوگاهها شد . در روزهای پنجشنبه و جمعه (۲۳ و ۲۴ بهمن ماه) نیز مزدوران امل با گشودن آتش سلاخهای سنگین بسر روی اردوگاه "برج البراجنه" که ساکنین آن با گرسنگی و مرگ دست به گریبان هستند جمعاً ۱۳ تن را کشته و ۲۱ تن دیگر را زخمی نمودند . شش تن از کشته شدگان را کودکا گرسنه ای تشکیل میدادند که قصد خروج از

## اخبار مبارزات کارگری

و . . .

اردوگاه راداشند . باقی کشته شدگان و زخمی شدگان بیمارانی بودند که در بیمارستان اردوگاه بستری بودند و شیعیان امل با توپ و خمپاره آنها هدف قرار دادند .

ادامه محاصره وحشیانه اردوگاهها و کشتار فلسطینیان از سوی مزدوران امل و مقاومت قهرمانانه خلق فلسطین در برابر تجاوزات منطقه ای که حتی بسا تحمل مرگ ناشی از گرسنگی و قحطی اجازه تفتیش اردوگاهها را به مزدوران نمی دهند ، موجی از خشم ، نفرت و انزجار جهانیان را علیه شیعیان امل و حامیان آن برانگیخته است .

روز جمعه ۲۴ بهمن ماه هزاران تن از فلسطینیان ساکن بیت المقدس علیه جنایات انجام شده در اردوگاهها دست به تظاهرات زدند آنها اقدامات اسد ونسی بری را بعنوان قاتلین خلق فلسطین محکوم ساختند و خواستار پایان دادن به این جنایت گشتند . مقاومت حماسی فلسطینیان محاصره شده از سوئی و خشم و نفرت افکار عمومی جهان علیه این همه جنایات و فشار سازمانهای بین المللی از سوی دیگر حامیان مزدوران

اصل یعنی رژیم های ارتجاعی جمهوری اسلامی و سوریه را وادار ساخت که خود روز شنبه ۲۵ بهمن ماه دارو و آذوقه های نهیه شده از سوی منابع بین المللی را به اردوگاه برج البراجنه حمل نمایند . اسرائیل ، رژیم سوریه و امل از این رومتفقاً به بمباران و کشتار فلسطینیان می پردازند که نمیخواهند چریکهای مبارز فلسطینی در جنوب لبنان مستقر گشته و از این طریق به مبارزه مسلحانه انقلابی علیه اسرائیل ادامه دهند و از سوی دیگر جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان با تحکیم مواضع چریکهای فلسطینی و مبارزات آنها در جنوب لبنان شدیداً مخالفت مینمایند . جمهوری اسلامی تلاش فراوان میکند بسا گسترش پان اسلامیسیم ، جنبش فلسطین را از مسیر انقلابی خود منحرف ساخته و به این طریق آنها را به ناپودی بکشد .

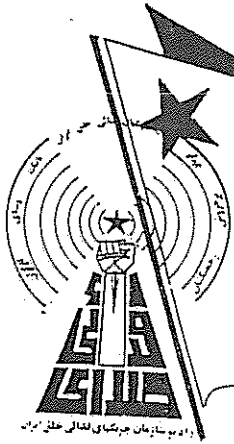
اگرچه بطور موقت امل و حامیانش در برابر مقاومت خلق فلسطین و افکار عمومی جهان مجبور به عقب نشینی شده اند و اجازه ورود مواد غذایی و داروئی بسه اردوگاه برج البراجنه را داده اند اما آنها همچنان به دشمنی با انقلاب فلسطین ادامه میدهند و همراه با بمبارانهای هوایی با آتشباری های مداوم خود در پی تکمیل هدف مشترک یعنی نابودی جنبش فلسطین می باشند .

## جنگ شهرها و تاثیرات آن در ذهنیت توده های مردم کردستان

نمایش بی پایه بودن رژیم در کردستان ، به نمایش رسواشی ناهم بیشترا و تبدیل شد . هم اکنون هر چند که مزدوران رژیم با علم کردن بهانه دیگری ("دهه آسوزش و وبسیج") به تعرض علیه کارگران و زحمتکشان خلق کرد دست زده و بمرموج فشار و سرکوب شدت بخشیده اند ، اما بی شک نه تنها نخواهند توانست با توسل به این ترفندها جلو مبارزات توده ها را سد کنند ، بلکه تحت چنین شرایطی امکان بروز اشکال علنی و گسترده مبارزات آنها را نیز فراهم نخواهند کرد و بی رستربحران عمیق اقتصادی - سیاسی جامعه ، بی لیاقتی ، بی ثباتی و از هم گسیختگی حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی تعرض رژیم علیه توده ها ، به تعرض توده ها علیه رژیم در همه ابعاد آن بدل خواهد گشت .

شش سال ادامه جنگ ارتجاعی دولت های ایران و عراق تنها نتایج کشتار هزاران تن از توده های زحمتکار ایران و عراق ، سردی میلیون ها آواره جنگی ، گریز ، بیکاری و دهها مسدود کرده است . برای پایان دادن به این مسدود ارتجاعی و سیاسی سنگ صلح دمکراتیک ، راه دیگری جز قیام مسلحانه و سرنگونی رژیم جنجوران امل و حامیان آنها نیست . سواند سازش با رژیم و مبارزه با امل و حامیان آن نیست . تنها راه تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی است . مرکز سرچنگ ارتجاعی - مرکز سررژیم جمهوری اسلامی - سارمان چریکهای مدائی خلق ایران - کمیته کردستان

## گرامی باد یادشیدای بهمن ماه سازمان در کردستان



رفیق کاوه



رفیق اسکندر



رفیق حسن

## مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل با زحمتکشان

بمناسبت بزرگداشت رستاخیز سیاهکل هفدهمین سالروز تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ونهمین سالروز قیام شکوهمند ۲۲ بهمن مراسم جشنی در مقر کمیته کردستان سازمان برگزار گردید .

صبح روز ۱۹ بهمن در حالیکه مقر کمیته کردستان با تما ویرسینان گذاران کبیر سازمان، آرم سازمان وینکاردهای مختلف تزئین گشته بود و سرودهای انقلابی همراه با شعارهای سازمانی به زبان کردی در فضا طنین انداز بود ، تاکنین زحمتکش روستا را به شرکت در مراسم فرامی خوانند .

درصحه ۱۴

رفقا:

- \* مراد میرزائی (حیدر)
- \* مراد میرزائی (حیدر)
- \* مسعود رحمتی
- \* علی نودری
- \* حسن محمد بیور
- \* ابراهیم کردی (شریف)
- \* محمد رضائی (جعفر)
- \* بهنام قاسم راده رضوی (شیرام)
- \* فاطمه محمدی
- \* احمد محمدی
- \* محمود امین راده
- \* محمد رضوی (وربا) ورفقا:

کاوه ، حسن و اسکندر که در دفاع قهرمانانه از مرکز فرستنده رادیو صدای فدائی در ۴ بهمن ۶۴ جان باختند .

## برخی ملاحظات

### پلنوم هفتم اکثریت

### راه کارگرو را "خرسند" کرد!

مدنی است که در حیدرآباد پورتو سیستا و در رمیست ها عوغائی برپا گشته است . عوغائی برای ادا محبات ، عدلانی برای اطباقی با شرایط موجود . بی حیثیتی و بی آبروئی حمایت از رژیم جمهوری اسلامی سگین ترا آن بوده که میان دیروز و بتوانند خود را از آن خلاص کنند . ولوله ارههین جا آغاز شد . گروه هشتمی اپورتونویست در معرض تگد تگه شدن قرار گرفتند . کفار ه گناهان بهر صورت ناپسند بزداخت میند . اشعایات در مورد آنسان که جان سخت تریوندند و حتی انتقاساد ار خودی راهم در ترا زوی نجات بیسوان کفار ه گناهان نمی گذاشتند ندید تر بود . حرب نبوده در این زمره قرار گرفتند است و اکثریتی های بگپداری با انتقادی

درصحه ۸

## اخباری از جنبش نوده ای

درصحه ۱۹

بمناسبت نوزدهمین سالروز رستاخیز سیاهکل ، تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، سازمانها و گروههای انقلابی متعددی ارسراسر جهان با صهای تبریکی به سازمان ارسال نمودند . در زیر با ذکر نام برخی از این سازمانها تعدادی از این پیامها را درج میکنم .



- جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)
- اتحادیه سوسیالیستهای آلمان
- اتحاد سوسیالیستهای سازمانده
- حزب انقلابی تمام خلقهای آفریقا
- سازمان راه انقلابی

درصحه ۱۵

### پیام های رسیده

بمناسبت آغاز هفدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان

### رادیو

## صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد